

ما از عدالت سہمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران
سال دوم شماره ۴۱
۲۵ مهر ۱۳۹۵ / ۱۵ اکتبر ۲۰۱۶



پناہجویی



Boarding pass

Have a nice flight

Name of passenger

From

Flight
IAF123

Date

12 DEC 14

Time

07:15

To

Gate
05

Boarding till
06:40

Seat
15A



Name of passenger

From

To

Flight
IAF123

Date

12 DEC 14

Time

07:15

Gate

05

Boarding till

06:40

Seat

15A

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: علی مهتدی

تحریریه: ماهرخ غلامحسین پور، نعیمه دوستدار، آرش بهمنی، آیدا فجر

صفحه بندی: ماهرخ خوش قدم

مشاور حقوقی: محمد اولیایی فرد

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

آتش هجرت به خرمنگاه صبر

علی مهتدی



جایگاه پناهندگی در قوانین ایران و اسناد بین المللی

بررسی حقوقی و قانونی پناهجویی بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و

آیین نامه پناهندگان در ایران

محمد اولیایی فرد



نگاهی به شرایط پناهندگان در ایران

قوانین و مشکلات پناهندگی در نگاهی به شرایط پناهجویان افغانستانی

و عراقی در ایران

آرش بهمنی



اسلام مشوق مهاجرت است

واکاوی نگاه اسلام به مقوله مهاجرت و پناهجویی در گفت و گو با حسن

فرشتیان

آیدا فجر



پناهندگی زنان؛ سفری که در مقصد به پایان نمی رسد

محرومیت ها و معضلات زنان در روند پناهجویی در سایه اسنادی که گویی

برای مردان نوشته شده اند

نعیمه دوستدار



اسم ساده پناهجو، درد هزار توی بی وطنی

پناهجویان ایرانی در پیچ و خم پروسه ای طولانی و طاقت فرسا

ماهرخ غلامحسین پور



بزرگترین بحران بشری جهان بعد از جنگ جهانی دوم

حقایق و نکاتی در مورد مهاجرت



آتش هجرت به خرمنگاه صبر



علی مهتدی

خانه‌های خود آواره شده بودند در امید به جلب حمایت امپراتوری روم به کلیساها در این کشور پناهنده می‌شدند. در این دوره، راهبان و روحانیون مسیحی، قانونی را به تصویب رساندند که به «قانون پناهجویی مسیحی» معروف شد و کلیسا را به مامن و پناهی برای آوارگان و پناهجویان تبدیل کرد.

تاریخ اسلام نیز از همان ابتدای ظهور این دین، تعامل خاصی با مفهوم پناهجویی و مهاجرت داشت. قرآن به عنوان کتاب مقدس مسلمانان بر «هجرت» در شرایط ظلم به عنوان یک عمل پسندیده تاکید دارد و در سوی دیگر، آیات زیادی در آن در باب امان دادن به پناهجویان غیر مسلمان وجود دارد که به آنها اجازه می‌دهد در امنیت کامل وارد سرزمین‌های تحت حکومت اسلام شده و تا زمانی که در این سرزمین‌ها حضور دارند از امنیت لازم برخوردار باشند. نخستین موج مهاجرت مسلمانان در همان صدر اسلام رخ داد، به طوری که بسیاری از مسلمانان حجاز از ترس فشارها و اذیت و آزارهای قریش به حبشه (اتیوپی کنونی) پناه بردند.

در عصر جدید، بیشترین موج آوارگان و پناهجویان در دهه سی میلادی و به دنبال قدرت گرفتن نازی‌ها در آلمان رخ داد به طوری که بسیاری از یهودیان اروپا به خصوص یهودیان ساکن آلمان و اتریش مجبور به ترک محل زندگی خود شدند. این آوارگی یهودیان به آوارگی بزرگ‌تری ختم شد که در نتیجه اسکان دادن آنها در سرزمین‌های فلسطینی ایجاد شده و باعث

شد برای نزدیک به هفت دهه متوالی، فلسطینیان به یکی از جمعیت‌های اصلی آواره در جهان تبدیل شوند.

حمله اتحاد جماهیر شوروی سابق به افغانستان در ابتدای دهه هشتاد میلادی و سپس حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ باعث ایجاد موج‌های وسیعی از پناهجویان افغانستانی و عراقی در سطح جهان شد، امری که پس از شروع جنگ در سوریه به اوج خود رسید. میلیون‌ها نفر از اتباع این سه کشور به امید دستیابی به زندگی بهتر و امنیت، روانه کشورهای اروپایی و غربی شدند تا به گفته سازمان ملل، جهان شاهد «بزرگ‌ترین بحران بشری کنونی» و «بزرگ‌ترین موج آوارگی انسانی پس از جنگ جهانی دوم» باشد.

هر چند عوامل بسیاری در آواره شدن انسان‌ها از خانه و سرزمین خود نقش دارد، اما آمارها حاکی از این است که بیش از آن‌که عوامل طبیعی مثل سیل و زلزله و خشکسالی از دلایل آوارگی باشد، این خود انسان‌ها هستند که با جنگ و نزاع‌های مسلحانه؛ دیگر هم‌نوع‌های خود را مجبور به ترک دیار خود می‌کنند. جنگ همواره از عوامل اصلی مهاجرت انسان‌ها بوده است، عاملی که در سال‌های اخیر به مهم‌ترین دلیل مهاجرت در جهان تبدیل شده است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ بر حق انسان‌ها در پناهجویی تاکید و کشورهای عضو را ملزم کرده که به

پناهجوها رسیدگی کرده و حمایت لازم را از آنها به عمل آورد. با این حال این اعلامیه، افرادی که حقوق عمومی را زیر پا گذاشته و دست به اقدامات خطرناک علیه جامعه زده‌اند را از حق دریافت پناهنده‌گی استثنا کرده است. «پناهجویی انسانی» از نوع پناهجویی است که در آن فرد به خاطر شرایط خاص حاکم بر محل زندگی‌اش مثل جنگ یا بلایای طبیعی، امنیت خود را از دست داده و از کشور دیگری درخواست پناهنده‌گی می‌کند. «پناهجویی سیاسی» دیگر نمونه از انواع پناهجویی مورد تایید مصوبات جهانی است که فرد به خاطر موضعگیری‌های سیاسی، مبارزات حقوقی یا خفقان و دیکتاتوری حاکم بر کشورش، به کشور دیگری پناه می‌برد. پناهنده‌گی سیاسی، بارزترین و رایج‌ترین دلیل پناهجویی به خصوص در میان کشورهای جهان است که با معضلاتی مثل استبداد و محدودیت آزادی‌های اجتماعی مواجه هستند.

پناهجویان از حق اقامت و کار در کشور ثالث بهره‌مند می‌شوند ولی در مورد پناهنده‌گان سیاسی، برخی از کشورها محدودیت‌هایی برای کار کردن آنها ایجاد می‌کنند که به مسایل امنیت ملی و ارتباط کشور ثالث با کشور اصلی فرد پناهجو مربوط می‌شود. با این حال معاهدات بین‌المللی همگی بر این امر تاکید دارند که فرد پناهجو را نباید به کشورش یا هر کشور دیگری که در آن جان فرد در خطر است، بازگرداند. افزایش بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و همچنین درگیری‌های مسلحانه در جهان سوم به خصوص آفریقا، صدها هزار نفر را از کشورهای خود آواره کرده است. بر اساس اعلام سازمان ملل از هر ۱۱۳ نفر جمعیت جهان، یک نفر از خانه و کشور محل سکونت خود به محل دیگری کوچ کرده و روزی ۴۶۰۰ نفر به تعداد پناهجویان جهان اضافه می‌شود.

جنگ در نقاط مختلف جهان به خصوص در سوریه باعث شده تا یکی از بزرگ‌ترین موج‌های پناهجویی تاریخ معاصر شکل گرفته و ده‌ها میلیون نفر به امید زندگی بهتر، روانه کشورهای دیگر به خصوص کشورهای غربی شوند، به طوری که بحران پناهجویی به مهم‌ترین بحران حال حاضر جهان تبدیل شده است. علی‌رغم این‌که بسیاری از کشورهای میزبان آوارگان سوری و افغانستانی و عراقی (به عنوان اصلی‌ترین کشورهای پناهنده‌کننده آن مجبور به مهاجرت شده‌اند) کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در مورد حقوق پناهجویان را امضا کرده‌اند، ولی به خاطر نگرانی‌های مالی، کمبود شغل، تغییرات دموگرافیک و ... از پذیرش این پناهجویان یا رسیدگی به شرایط سخت زندگی آنها خودداری می‌کنند. در بسیاری از دیگر کشورها مثل لبنان، ایران و اردن هم که شاهد حضور بیشتر پناهجوها هستند، هیچ گونه رسیدگی قابل توجهی به شرایط آنها وجود ندارد و پناهجوها در حالتی از بلا تکلیفی و بدون حقوق اولیه انسانی مشغول گذراندن روزگار هستند. آیا بحران پناهجوها در آینده نزدیک باعث دگرگون شدن مرزها و شرایط جغرافیایی و سیاسی کشورها می‌شود؟

بند اول این ماده، حق آزادی افراد در حرکت و جابجایی از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر به خصوص در حالتی که فرد احساس خطر می‌کند؛ مشروعیت می‌بخشد. در بند دوم، ایجاد هرگونه ممنوعیت و محدودیت برای افراد در خصوص ترک و یا رجعت به کشور متبوع توسط دولت‌ها منع گردیده است.

سوم: حقوق پناهندگان در کنوانسیون ۱۹۵۱ و قوانین ایران

حدود یک سال پس از تاسیس سازمان ملل متحد، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای در راستای تاسیس «سازمان بین‌المللی پناهندگان» تصویب کرد. سازمان بین‌المللی پناهندگان طی دوران چهار سال فعالیت‌اش، افراد بسیاری را که به دلیل تبعات ناشی از جنگ، اقدام به مهاجرت به دیگر کشورها کرده بودند، به موطنشان بازگرداند. در سال ۱۹۵۰ و با پایان کار سازمان بین‌المللی پناهندگان، «کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان»، با هدف رسیدگی به وضعیت‌های جدید به وجود آمده، تاسیس شد. متعاقب آن در سال ۱۹۵۱ «کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگی» به تصویب رسید که بی‌تردید می‌توان آن را اصلی‌ترین منبع حقوق پناهندگان در چارچوب حقوق بین‌الملل دانست.

در ایران تا قبل از انقلاب مشروطیت، پناهندگی عموماً در داخل کشور و به شکل سنتی و به دو صورت تحصن در اماکن مقدسه مذهبی یا در خانقاه‌ها و نیز پناهندگی در سفارت‌خانه‌های دولت‌های خارجی مرسوم بوده اما با انقلاب مشروطیت و پیدایش قانون در ایران، سنت پناهندگی نیز متحول شد، زیرا قانون اجازه نمی‌داد که شخص خاطی اعم از مجرم عادی و مجرم سیاسی از مجازات فرار کند. از این زمان است که پناهنده مفهوم دیگری پیدا کرد. بعد از انقلاب اسلامی، پناهندگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به رسمیت شناخته شده است. اصل ۱۵۵ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند، پناه دهد، مگر اینکه بر طبق قوانین ایران تبهکار و خائن شناخته شوند». اعطای پناهندگی و حقوق و تکالیف پناهنده در ایران، مطابق آیین‌نامه پناهندگان مصوب ۲۵ آذر ۱۳۴۲ و کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ و پروتکل مربوط به وضع پناهندگان مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷ است که دولت ایران طی ماده واحده‌ای در سال ۱۳۵۴ با تصویب پارلمان به آن ملحق شد.

۱- تعریف پناهنده

کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در ماده ۱ خود در تعریف پناهنده بیان داشته «پناهنده کسی است که به علت ترس موجه از این که به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار

جایگاه پناهندگی در قوانین ایران و اسناد بین‌المللی



محمد اولیایی فرد

مفهوم پناهندگی به شیوه یا نوعی از مهاجرت اطلاق می‌شود که در آن شرایط و عوامل نامساعد در محل سکونت برای شخص آن‌چنان تهدیدکننده و خطر آفرین است که برای حفظ جان و ادامه‌ی حیات، ناگزیر از ترک محل زندگی‌اش می‌شود. از آن‌جا که این نوع مهاجرت با ویژگی‌هایی خاص نظیر اجباری، تحمیلی و ناخواسته بودن همراه است و مبنا و شاکله اصلی آن وجود ترس و اساس آن برای حفظ جان و ادامه حیات است؛ لذا حمایت از پناهنده امری اخلاقی و مطابق با فطرت انسانی و در جهت استقرار عدالت و نفی ظلم تلقی می‌شود. به همین سبب موضوع پناهندگی و حمایت از آن مورد توجه ادیان الهی، قوانین کشورها و اسناد و قوانین بین‌المللی قرار گرفته است.

اول: پناهندگی در شریعت اسلام

منشا و مبنا توجه شریعت اسلام به مفهوم پناهندگی، آیه ۶ سوره توبه است که شاید بتوان آن را صریح‌ترین اشاره به مساله پناهندگی در قرآن دانست. طبق نص صریح این آیه، هر مسلمان اجازه دارد که به هر شخص غیرمسلمان و حتی کافر در زمان جنگ در سرزمین اسلام پناه دهد. در حقوق اسلامی مفهوم پناهنده دربرگیرنده دو نکته اساسی و مهم است. نخست اینکه حق اعطای پناهندگی مقدس است از آن جهت که ریشه در کتاب و سنت دارد و دوم این‌که به هیچ وجه نمی‌توان پناهنده را به کشور اصلی‌اش بازگرداند. با این حال عنصر اساسی در پناهندگی مورد نظر فقه، اختلاف دینی و در واقع «شرک» است. مشرکین به علت ترس از تعقیب و مجازات به خاطر عقیده در دارالاسلام از خود دارالاسلام تقاضای پناهندگی کرده تا با حفظ اعتقادات و آداب و رسوم خود و البته با رعایت شرایطی خاص از حمایت دولت اسلامی بهره‌مند شوند. هر چند امروزه کشورهای اسلامی از این منظر فقهی عبور کرده و مفهوم پناهندگی را به معنای امروزی تبیین کرده‌اند. ماده ۱۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی (مصر) در این خصوص تصریح دارد «هر انسانی بر طبق شریعت حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشور را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن می‌تواند به کشور دیگری پناهنده شود. بر آن کشور پناه دهنده واجب است که با او مدارا



بشر و از جمله حقوق پایه‌ای و اساسی بشر به شمار می‌آید. ماده‌ی چهاردهم اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در مورد حق پناهندگی چنین مقرر کرده است: «۱- در برابر شکنجه، تعقیب و آزار، هر شخصی حق درخواست پناهندگی و برخورداری از پناهندگی در کشورهای دیگر را دارد. ۲- در موردی که تعقیب واقعاً مبتنی بر جرم عمومی و غیرسیاسی یا اعمال و رفتارهایی مخالف با اهداف، اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمی‌توان به این حق استناد کرد».

شایان ذکر است که بند دوم این ماده شرایطی را بیان می‌کند که طبق آن امکان استفاده از حق پناهندگی وجود نخواهد داشت. این شرایط شامل ارتکاب جرایم عمومی و غیر سیاسی و یا اعمال منافی با اهداف و اصول کلی ملل متحد (مندرج در منشور ملل متحد که مهم‌ترین آن‌ها حفظ صلح و امنیت بین‌المللی عنوان شده) است.

هم‌چنین ماده‌ی سیزدهم این اعلامیه اذعان می‌دارد: «۱- هر شخصی حق دارد در داخل هر کشور آزادانه رفت و آمد کند و اقامت‌گاه خود را برگزیند. ۲- هر شخصی حق دارد هر کشوری، از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خویش بازگردد».

کند، تا این که پناهگاهی برایش فراهم شود. با این شرط که علت پناهندگی به خاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد».

دوم: پناهندگی در اعلامیه جهانی حقوق بشر

نزدیک به یک قرن از اولین اقدام جهانی جهت به رسمیت شناختن «مفهوم پناهندگی» و تدوین شالوده‌های «حقوق پناهندگی» می‌گذرد. در این گذار تاریخی، این مفاهیم به مرور تغییر کرده و از شکلی محدود، منطقه‌ای و موردی به مفهومی جهان شمول، همگانی و عمومی بدل شده است. با چنین رویکردی و با هدف تامین و تضمین حقوق و آزادی‌های برابر برای همه‌ی افراد بشر من جمله پناهندگان، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ دهم دسامبر سال ۱۹۴۸ اقدام به تصویب «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر» کرد. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، به عنوان یک استاندارد مشترک و دستاورد تمامی ملل و ممالک عضو صراحتاً دولت‌ها را موظف به رعایت حقوق شهروندان خویش و هم‌چنین حقوق بیگانگان اعم از پناهنده‌یان نموده است.

حق پناهندگی از حقوق مصرحه در اعلامیه‌ی جهانی حقوق

گیرد، در خارج از کشور محل سکونت عادی (کشور اصلی خود) به سر می‌برد و نمی‌تواند - و یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد - خود را تحت تابعیت آن کشور قرار دهد، یا در صورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دایمی خود به سر می‌برد، نمی‌تواند یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد به آن کشور بازگردد». ماده اول آیین‌نامه پناهندگان در ایران مصوب نیز مقرر داشته: «مقصود از پناهنده، فردی است که به علل سیاسی، مذهبی، نژادی یا عضویت در گروه‌های خاص اجتماعی از ترس جان و شکنجه خود و افراد خانواده‌اش که تحت تکفل او هستند، به کشور ایران پناهنده شوند».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در خصوص علت پناهندگی، در کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ و پروتکل مربوط به وضع پناهندگان مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷ که دولت ایران به آنها ملحق شده است، در مقایسه با آیین‌نامه پناهندگان در ایران مصوب ۲۵ آذر ۴۲ تفاوت اندکی وجود دارد، بدین نحو که:

اولاً: در کنوانسیون و پروتکل فوق‌الذکر، به علل مربوط به نژاد و ملیت اشاره شده است و حال آن‌که در آیین‌نامه پناهندگان کلمه ملیت مشاهده نمی‌شود و فقط علل نژادی قید شده است و چون نژاد با ملیت تفاوت دارد و دایره شمول نژاد وسیع‌تر و فراتر از ملیت است، بنا بر این دایره شمول کنوانسیون و پروتکل الحاقی به آن وسیع‌تر از آیین‌نامه پناهندگان است. ثانیاً: طبق آیین‌نامه پناهندگان، ترس از جان و شکنجه افراد خانواده تحت تکفل متقاضی می‌تواند دلیل موجهی برای پناهندگی باشد، ولی در کنوانسیون و پروتکل الحاقی به آن، فقط به ترس از شکنجه شخصی متقاضی اشاره شده است و به عبارت دیگر ترس، ناظر بر جان متقاضی است و شامل افراد خانواده‌اش نمی‌شود، لذا از این حیث دایره شمول آیین‌نامه پناهندگان وسیع‌تر است.

بنا بر این با جمع تعاریف کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و آیین‌نامه پناهندگان در ایران در مورد پناهنده می‌توان نتیجه گرفت که آیین‌نامه پناهندگان نسخ نشده و به قوت قانونی خود باقی است و از طرفی هم دولت ایران به کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل منضم به آن ملحق شده است، لذا ماده اول آیین‌نامه پناهندگان را باید بدین صورت تعبیر و تفسیر نمود: «مقصود از پناهنده فردی است که به علل سیاسی، مذهبی، نژادی، ملیتی و یا عضویت در گروه‌های خاص اجتماعی از ترس جان و شکنجه خود و افراد خانواده‌اش که تحت تکفل او هستند، به کشور ایران پناهنده شود». البته ترسی که موجب پناهندگی خواهد شد، باید ناظر به جان باشد و شامل مال نخواهد شد. بنا بر این کسی نمی‌تواند به خاطر ترس از مصادره شدن اموالش به ایران پناهنده شود. هم‌چنین ترسی که باعث پناهندگی است، ناظر به کشور متبوع شخص



متقاضی است و شامل سایر کشورها نخواهد شد. با این توضیح که هر فردی در صورتی می‌تواند از دولت ایران تقاضای پناهندگی کند که از طرف کشور متبوعش، جان خود و افراد خانواده تحت تکفلش را در خطر احساس کند.

۲- پناهندگان بدون تابعیت

دولت ایران به کنوانسیون پناهندگان فاقد تابعیت ملحق نشده است. قوانین و مقررات داخلی نیز در این مورد ساکت است. کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ و پروتکل مربوط به آن هم در این مورد تعیین تکلیف نکرده است، اما با استفاده از روح قوانین و شیوه عملکرد اجرایی دولت در مورد معاونین عراقی باید بر آن بود که قوانین ناظر به پناهندگی در مورد افراد بدون تابعیت نیز هم‌سان و مشابه با افرادی که تبعه کشور هستند، اجرا می‌شود. فقط در مورد این دسته از پناهندگان باید اضافه شود که اگر شخصی فاقد تابعیت باشد، باید از طرف کشوری که در آن اقامت دائم دارد، جان خود و افراد خانواده تحت تکفلش را در خطر احساس کند و به عبارت دیگر، تنها تفاوت داشتن یا نداشتن تابعیت در مورد پناهندگان آن است که در حالت اول خطر از طرف کشور متبوع و در حالت دوم، خطر از طرف کشور محل اقامت احساس و عنوان می‌شود.

۳- محدودیت‌های استفاده از حق پناهندگی

حق پناهندگی در بند ۱ ماده چهاردهم اعلامیه‌ی جهانی

باعث شده بود وی به عنوان پناهنده شناخته شود، دیگر نتواند از قبول حمایت دولت متبوع خود امتناع نماید. بدیهی است مقررات این بند شامل پناهنده‌ای که حاضر است و می‌تواند برای امتناع از قبول حمایت دولت متبوعه خود دلایل قاطعی دال بر شکنجه‌ی قبلی اقامه کند، نخواهد شد.

در این خصوص ماده ۱۱ آیین‌نامه پناهندگان در ایران مصوب آذر ۱۳۴۲ مقرر داشته «اگر کمیته دایمی پناهندگان تشخیص دهد که اوضاع و احوالی که در اثر آن پناهنده به ایران آمده از میان رفته است، پناهنده باید خاک ایران را ترک گوید مگر اینکه دلایل کافی بر ادامه خطری که متوجه اوست ارایه نماید. ۶- اگر اوضاع و احوالی که باعث شده بودند یک شخص بدون تابعیت به عنوان پناهنده شناخته شود از بین برود، آن شخص می‌تواند به کشوری که در آن جا سکونت دایم داشته، مراجعه کند.

هم‌چنین در بند «و» ماده ۱ کنوانسیون نیز بیان شده «مقررات این کنوانسیون در مورد اشخاصی که علیه آنها دلایل محکمی دال بر مراتب زیر وجود داشته باشد، مجری نخواهد بود: الف - مرتکب جنایات علیه صلح یا بشریت یا جنایت جنگی شده باشد (طبق تعاریف مندرج در اسناد بین‌المللی که برای پیش‌بینی مقررات مربوط به این جنایات تنظیم شده است) ب - قبل از آن که در کشور پناه‌دهنده به عنوان پناهنده پذیرفته شود، در خارج از آن کشور مرتکب جنایات عمده‌ای شده باشد که مشمول مجازات عمومی می‌شود ج - مرتکب اعمالی شده باشد که مغایر با مقاصد و اصول ملل متحد است». در آیین‌نامه پناهندگان در ایران نیز محدودیت استفاده از حق پناهندگی در تبصره ماده ۵ این آیین‌نامه مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. مطابق این تبصره «اشخاصی که مرتکب جنایت جنگی و یا جرمی علیه صلح و انسانیت و یا جرایم شدید حقوق عمومی شده باشند از مقررات این آیین‌نامه استفاده نخواهند کرد».

۴- تعهدات و وظایف دولت‌ها در برابر پناهندگان

کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو مربوط به وضعیت پناهندگان به عنوان اصلی‌ترین منبع حقوق پناهندگان در چارچوب حقوق بین‌الملل، اصولی را به عنوان تعهدات و وظایف دولت‌ها در قبال پناهندگان مورد توجه و پیش‌بینی قرار داده است. در این کنوانسیون، اصل عدم تبعیض در اجرای کنوانسیون، اصل آزادی دین و مذهب، حق اشتغال، آزادی رفت و آمد، حق تشکیل اتحادیه و جمعیت‌های غیر سیاسی، دسترسی آزادانه به محاکم قضایی، مصونیت در مقابل اقدامات متقابل از سوی دولت‌ها، عدم مجازات پناهندگان به سبب ورود یا اقامت غیرمجاز، حق تحصیل، حق داشتن اموال منقول و غیر منقول، حق مسکن، بیمه اجتماعی، حق داشتن اوراق هویت و اسناد مسافرتی، حق کسب تابعیت، حق انتقال دارایی‌ها، حق

حقوق بشر که مقرر می‌دارد «۱- در برابر شکنجه، تعقیب و آزار، هر شخصی حق درخواست پناهندگی و برخورداری از پناهندگی در کشورهای دیگر را دارد» به رسمیت شناخته شده است، اما استفاده از این حق مطابق بند ۲ همین ماده که گفته «۲- در موردی که تعقیب واقعاً مبتنی بر جرم عمومی و غیر سیاسی یا اعمال و رفتارهایی مخالف با اهداف، اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمی‌توان به این حق استناد نمود» با محدودیت‌هایی مواجه شده است. در واقع بند دوم ماده چهاردهم اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر شرایطی را بیان می‌کند که طبق آن امکان استفاده از حق پناهندگی وجود نخواهد داشت. این شرایط شامل ارتکاب جرایم عمومی و غیر سیاسی و یا اعمال منافی با اهداف و اصول کلی ملل متحد است.

کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو مربوط به وضعیت پناهندگان در بندهای «ج - و» ماده ۱ خود شرایطی دقیق‌تر از منشور جهانی حقوق بشر در ارتباط با محدودیت‌های استفاده از حق پناهندگی را مطرح کرده است. مطابق بند «ج» ماده ۱ اشخاصی که کنوانسیون در مورد آن‌ها اجرا نخواهد شد عبارتند از ۱- شخصی که داوطلبانه خود را مجدداً تحت حمایت کشور متبوع خویش قرار دهد ۲- در صورتی که تابعیت خود را از دست داده باشد آن را مجدداً تحصیل نماید ۳- تابعیت جدیدی کسب کرده و از حمایت کشور متبوعه جدید برخوردار باشد ۴- داوطلبانه برای سکونت به کشوری بازگردد که به علت ترس از شکنجه قبلاً آن‌جا را ترک گفته یا در خارج از آن به سر می‌برده است. ۵- به علت از بین رفتن اوضاع و احوالی که

مالکیت معنوی و صنعتی پناهندگان مورد تاکید قرار گرفته و همچنین در این کنوانسیون احوال شخصیّه فرد پناهنده بایستی بر اساس قوانین و مقررات کشور محل اقامتش در نظر گرفته شود.

حمایت از حقوق پناهندگان در آیین‌نامه پناهندگان در ایران مصوب ۱۳۴۲ نیز مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. در ماده هفتم این آیین‌نامه، شخص پناهنده پس از قبولی پناهندگی از حقوق اتباع ایران در خصوص استفاده از خدمات بهداشتی و فرهنگی و اجتماعی و نیز اشتغال به حرف و کارهایی که اتباع خارجی در ایران اجازه آن را دارند و هم‌چنین اموری که کمیته دائمی پناهندگان صلاح می‌داند، بهره‌مند می‌شود. البته مطابق تبصره ۱ این ماده، پناهنده حق شرکت در فعالیت‌های سیاسی و سندیکایی را ندارد. با این حال مطابق تبصره ۲ همین ماده، پناهنده حق دارد تا حدودی که مخالف نظم عمومی کشور نباشد آزادانه مراسم مذهبی خود را اعمال کرده و به فرزندان خود تعلیمات مذهبی دهد. هم‌چنین برابر تبصره ۴ ماده هفتم آیین‌نامه پناهندگان، پناهنده در حدودی که قوانین و امنیت کشور اجازه می‌دهد مانند اتباع خارجه در انتخاب مسکن آزاد است. در هر صورت مطابق تبصره ۳ این ماده با پناهندگان همان رفتاری خواهد شد که نسبت به بیگانگان مقیم کشور اعمال می‌شود. به همین جهت مطابق تبصره ۱ ماده ۱۳ آیین‌نامه پناهندگان در ایران در مورد استملاک اموال منقول و غیر منقول، پناهنده اصولاً از همان حقوق که برای اتباع خارجه مقرر است، استفاده خواهد کرد. تبصره ۲ همین ماده نیز در حمایت از حقوق پناهندگان مقرر داشته «پناهنده حق دارد برای تظلم و احقاق حق خود به دادگاه‌های کشور مراجعه کند».

باید توجه داشت که هر چند مفاد کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و پروتکل مربوطه تنها به کشورهای عضو آن تسری می‌یابد، اما این بدین معنا نیست که کشورهای غیر عضو مسوولیتی در حمایت از حقوق پناهندگان ندارند؛ زیرا کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان واژه‌ی پناهنده را چنین تعریف کرده: «شخصی که با معیارهای اساس‌نامه کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان منطبق است، می‌تواند تحت حمایت‌های سازمان ملل متحد، اعمال شده توسط کمیساریای عالی ملل متحد قرار گیرد؛ فارغ از آن‌که وی در یک کشور پذیرنده کنوانسیون ۱۹۵۱ زندگی می‌کند یا خیر». بنا بر این می‌توان گفت که دولت میزبان، حتی اگر به کنوانسیون ۱۹۵۱ نیز نیبوسته باشد، هم‌چنان متعهد به رعایت حقوق پناهندگان در قالب کنوانسیون ۱۹۵۱ خواهد بود.

۵- اصل عدم اخراج پناهندگان

اص عدم اخراج پناهندگان از حقوق اصلی آنها به شمار می‌رود. ماده ۳۲ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو مربوط به وضعیت پناهندگان

حقوق ما

اکتبر ۲۰۱۶/ مهر ۱۳۹۵ ۱۰

مقرر داشته «دول متعاهد پناهنده‌هایی را که به طور منظم در سرزمین آنان به سر بردند، اخراج نخواهند کرد، مگر به دلایل حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی». طبق این ماده، اخراج چنین پناهنده‌ای فقط به موجب تصمیمی صورت خواهد گرفت که طبق موازین قانونی اتخاذ شده باشد. به پناهنده مزبور باید اجازه داده شود که برای رفع اتهام از خود مدرکی ارایه دهد، تقاضای استیناف نماید و به مقامات صلاحیت‌دار یا شخص یا اشخاصی که مقامات صلاحیت‌دار تعیین کرده‌اند، مراجعه کند؛ مگر آن که این امر به دلایل امنیت ملی میسر نباشد. دول متعاهد به چنین پناهنده‌ای فرصت مناسب خواهند داد تا در این مدت بتواند از طریق قانون مجوز ورود به کشور دیگری را کسب کند. دول متعاهد می‌توانند در مدت مزبور اقدامات داخلی را که لازم تشخیص دهند، به عمل آورند.

آیین‌نامه پناهندگان در ایران در ماده نهم خود در این خصوص تاکید دارد «اگر پناهنده علیه امنیت یا قوانین ایران اقدامی کند، وزیر کشور به پیشنهاد کمیته دائمی پناهندگان گواهینامه پناهندگی او را لغو می‌کند و اگر اقدام او مستلزم کیفر قانونی باشد، به مراجع قضایی تسلیم می‌شود. در هر صورت به پناهنده مهلت کافی داده خواهد شد که خاک ایران را ترک کند». در تبصره ۱ این ماده نیز بیان شده «پناهنده‌ای که گواهینامه‌اش لغو شده تا موقع خروج از خاک ایران تحت نظر مقامات انتظامی خواهد بود».

۶- اصل بازنگرداندن یا عدم اعاده پناهندگان

یکی از مهم‌ترین حقوق پناهندگان اصل بازنگرداندن یا عدم اعاده پناهندگان به کشوری است که به دلایل گوناگون از آن کشور رانده و یا ناگزیر به ترک آن شده‌اند. در بند اول ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در این خصوص مقرر شده «هیچ یک از دول متعاهد به هیچ نحو پناهنده‌ای را به سرزمین‌هایی که امکان دارد به علل مربوط به نژاد و … زندگی یا آزادی او در معرض تهدید واقع شود، تبعید نخواهد کرد یا باز نخواهد گرداند». کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه و رفتارهای موهن و غیرانسانی نیز تاکید دارد «هیچ دولت عضو کنوانسیون، شخص را به کشور دیگری که شواهد جدی مبنی بر وجود شکنجه و خطر نسبت به جان افراد در آن وجود دارد، بازگشت نخواهد داد». همچنین در ماده دوازدهم آیین‌نامه پناهندگان در ایران نیز مقرر شده «پناهنده را نمی‌توان اجباراً به کشوری که در آنجا جان یا آزادی‌اش به علل سیاسی، نژادی، مذهبی یا تعلق به گروه‌های اجتماعی در معرض خطر است، اعزام نمود». البته این اصل بین‌المللی استثنایی هم دارد که در بند دوم ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ آمده است «اما پناهنده‌ای که طبق دلایل کافی و موجه، وجودش برای امنیت کشور پذیرنده خطرناک بوده و یا مرتکب جرم مهمی شده باشد، از امتیاز این ماده برخوردار نخواهد بود».

حقوق ما

اکتبر ۲۰۱۶/ مهر ۱۳۹۵ ۱۱

۷- وظایف پناهندگان نسبت به دولت میزبان

با وجود تاکیدات بسیاری که نسبت به لزوم پذیرش پناهندگان و رعایت حقوق آنان شده است، هیچ گاه پذیرش پناهنده از طرف دولت‌ها و جوامع بشری بی قید و شرط نبوده است، بلکه پناهندگان در کنار برخورداری از امنیت اجتماعی، وظیفه دارند مقرراتی را به نفع دولت میزبان مراعات کنند. مادّه ۲ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو مقرر می‌دارد که هر پناهنده در کشوری که زندگی می‌کند دارای وظایفی است که به موجب آن، ملزم به رعایت قوانین و مقررات آن کشور و اقداماتی است که برای حفظ نظم عمومی انجام می‌دهد. در ماده ۲۶ همین کنوانسیون نیز بیان شده که پناهنده در ارتباط با رفت و آمد باید مقررات عمومی را که نسبت به خارجیان اعمال می‌شود، رعایت کند. در ماده ۳۲ کنوانسیون هم تاکید شده پناهندگان مکلف به رعایت نظم عمومی و امنیت ملی هستند و در صورت نقض آن، دولت پذیرنده می‌تواند آنان را اخراج کند .

همچنین در ماده هشتم آیین‌نامه پناهندگان در ایران نیز در این خصوص مقرر شده «پناهنده کتبا باید تعهد کند مادامی که در ایران اقامت دارد، مقررات و قوانین دولت ایران را محترم شمارد». بنا بر این، هم‌چنان که پناهنده حقوقی نسبت به دولت پذیرنده دارد، مکلف است مقررات و قوانینی را که در خصوص پناهندگان وضع می‌شود، رعایت کند. مهم‌ترین این مقررات، محدودیت‌هایی است که کشور میزبان برای حفظ امنیت ملی و نظم عمومی جامعه، در خصوص رفت و آمد پناهندگان وضع می‌کند. وضع این گونه مقررات محدودکننده، حق دولت پذیرنده است و پناهندگان ملزم به رعایت آن هستند.

۸- اصل حق حاکمیت دولت‌ها در برابر پناهندگان

حق پناهندگی از حقوق مصرحه در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و از جمله حقوق پایه‌ای و اساسی بشر به شمار می‌آید که در بند ۱ ماده چهاردهم اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. همچنین مطابق مواد ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو مربوط به وضعیت پناهندگان، اصل پذیرش پناهنده، حقی برای پناهنده و تکلیفی برای کشورها محسوب می‌شود؛ اما انجام این تکلیف و پذیرش پناهندگان از سوی کشورها تا آن‌جا امکان‌پذیر است که به امنیت ملی و نظم عمومی آنها خدشه‌ای وارد نشود. ماده ۳۲ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو مربوط به وضعیت پناهندگان مقرر داشته «دول متعاهد پناهنده‌های را که به طور منظم در سرزمین آنان به سر بردند اخراج نخواهند کرد، مگر به دلایل حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی». از همه مهم‌تر در بند دوم ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ آمده است «پناهنده‌ای که طبق دلایل کافی و موجه، وجودش برای امنیت کشور پذیرنده خطرناک بوده و یا مرتکب جرم مهمی شده باشد، از امتیاز این ماده برخوردار نخواهد

یادداشت حقوقی

بود». هم‌چنین ماده نهم آیین‌نامه پناهندگان در ایران در این خصوص تاکید دارد «اگر پناهنده علیه امنیت یا قوانین ایران اقدامی نماید، وزیر کشور به پیشنهاد کمیته دائمی پناهندگان، گواهینامه پناهندگی او را لغو می‌کند و اگر اقدام او مستلزم کیفر قانونی باشد، به مراجع قضایی تسلیم می‌شود. در هر صورت به پناهنده مهلت کافی داده خواهد شد که خاک ایران را ترک کند».

از سوی دیگر بر اساس اصل حق حاکمیت دولت‌ها، مسوولیت تعیین وضعیت پناهندگان بر عهده دولت‌ها است. به بیان دیگر قوانین و مقررات بین‌المللی به پناهندگان این حق را نمی‌دهد که دولت‌ها را به اعطای پناهندگی به خویش وادار سازند؛ گر چه می‌توانند از امکانات قضایی موجود آن‌ها برای اثبات وضعیت پناهندگی خود استفاده کنند. به بیان دیگر دولت‌ها آزادانه می‌توانند در هر کجا که مفاد کنوانسیون و پروتکل الحاقی آن را غیر منطبق با منافع ملی خویش یافتند، از اجرای آن خودداری کنند. به همین سبب برای رعایت حقوق دولت‌ها و احترام به حق حاکمیت آن‌ها در کنوانسیون ۱۹۵۱ دولت‌ها مجاز هستند که به جز در موارد خاص - ماده ۱ در تعریف واژه‌ی پناهنده، ماده ۳ در عدم تبعیض در اجرای کنوانسیون، ماده ۴ مربوط به آزادی مذهب، بند اول ماده ۱۶ ناظر بر دسترسی به دادگاه‌ها، ماده ۳۳ مربوط به اخراج پناهندگان و مواد ۳۶ تا ۴۶ - در کلیه‌ی مواردی که مفاد کنوانسیون با امنیت ملی آن‌ها منافات دارد، حق خود را محفوظ دارند یا برای خود حق شرط قایل شوند.

پی نوشت: بند الف ماده یک کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو تنها کسانی که پیش از سال ۱۹۵۱ آواره شده‌اند را در بر می‌گرفت؛ اما در پروتکل آن که در سال ۱۹۶۷ به تصویب رسیده، همه آوارگان مشمول مفاد این کنوانسیون شده‌اند .

منابع :

- آیین‌نامه پناهندگان در ایران مصوب ۲۵ آذر ۱۳۴۲
- کنوانسیون ژنو مربوط به وضعیت پناهندگان مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱
- پروتکل مربوط به وضعیت پناهندگان مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷
- سید فاطمی - سید محمد، فصلنامه نامه مفید، شماره ۱
- عبادی - شیرین، حقوق پناهندگان در ایران
- نظری تاج آبادی - حمید، بررسی جنبه‌های مختلف حقوقی مساله پناهندگی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- محمدی‌راد - امین، مفهوم پناهندگی از منظر حقوق بشر - مجله خط صلح
- ضیایی بیگدلی - محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی

نگاهی به شرایط پناهندگان در ایران



آرش بهمنی



«دولت ایران به جهت رفع خطر اخراج قریب الوقوع حداقل نیم میلیون افغان سزاوار تحسین است. اما تمدید ویزا، درمانی برای یک سیستم پناهجویی شکسته فراهم نمی‌سازد؛ سیستمی که مرتباً به بازداشت و اخراج افغان‌های فاقد مدرک منجر می‌شود، بدون این‌که به آن‌ها امکان دسترسی به درخواست پناهندگی، دادرسی عادلانه یا تقاضای تجدیدنظر قانونی در خصوص طرد و اخراج اجباری را بدهد.»

این حرف‌ها را پاتریشیا گاسمن، پژوهشگر ارشد افغانستان در سازمان دیده‌بان حقوق بشر سال گذشته و در جریان طرح ساماندهی اتباع خارجی در ایران گفت. طرحی که سال ۷۹ به عنوان طرح شناسایی آغاز شد و در نخستین مرحله آن نزدیک به دو میلیون و ۵۶۰ هزار تبعه خارجی در ایران شناسایی شدند. جمعیت اصلی پناهندگان خارجی را در ایران اتباع کشور افغانستان تشکیل می‌دهند. نسل اول این مهاجران در واقع آواره‌های جنگی بودند که در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ در کشورشان میان نیروهای نظامی وابسته به شوری سابق و شبه نظامیان مجاهدین افغان در جریان بود. در آن زمان در ایران پس از انقلاب، جنگ با عراق در حال آغاز شدن بود. جنگی که از سوی دیگر موجی از آوارگان جنگی عراق را روانه ایران کرد.

همزمان و با دستور آیت‌الله خمینی، سپاه و بسیج مکلف به همکاری با مهاجران افغان شدند: «آواره‌هایی که از افغانستان الان در ایران هستند و مشکلات زیادی دارند ... البته ملت خیلی کمک می‌کند در همه این امور، لکن این طور نیست که کمک ملت کافی باشد ... دولت است که متکفل این امور است و مسوول این امور است ... و همین‌طور مهمان‌هایی که داریم، خب افغانستانی هستند، مسلمان هستند یا فرض کنید که عراقی هستند یا بیچاره‌ها را از خانه‌هایشان دور کردند، مالشان را بردند، خودشان را فرستادند اینجا، خب باید چه کرد با اینها؟ نباید اینها را پذیرایی کرد؟»

بر اساس آمار رسمی ارایه شده، پس از آن نزدیک به سه میلیون مهاجر افغان به تدریج وارد ایران شدند. با ادامه تحولات سیاسی - اجتماعی افغانستان، قدرت‌گیری طالبان و حمله نظامی آمریکا به این کشور، گروه‌های دیگری از مهاجران افغان به ایران آمدند.

حالا از نزدیک به سه میلیون مهاجر افغان که در ایران حضور دارند نزدیک به نیمی از آن‌ها «غیرقانونی» هستند و از دریافت مدارک پناهندگی و اقامت، محروم.

از سال ۲۰۰۳ اما دولت ایران همواره بر بازگشت پناهندگان به کشورشان تاکید کرده. تلاش‌های دولت برای بازگرداندن مهاجران «غیرقانونی» افغان به کشورشان نگرانی‌های بسیاری را به وجود آورد. سال گذشته مقام‌های افغانستان اعلام کردند که «هر ماه حدود ۲۵ هزار افغان به صورت اجباری از مرز اسلام قلعه موسوم به «نقطه صفر» مرزی برده می‌شوند و حدود ۳۰ هزار مهاجر دیگر نیز داوطلبانه به افغانستان بازمی‌گردند.»

در سال ۲۰۱۳ و به دنبال روند اخراج و بازگشت پناهجویان افغان به کشورشان، سازمان دیده‌بان حقوق بشر گزارشی ۱۲۴

صفحه‌ای درباره وضعیت این مهاجران در ایران منتشر کرد. در این گزارش از دولت ایران خواسته شد تا:

۱- به افغان‌های تازه وارد و افغان‌هایی که به دلیل حضور غیرقانونی دستگیر شدند اجازه تقاضای پناهندگی دهد؛ این درخواست‌ها را منصفانه و به طور موثر، بررسی کند و حق درخواست تجدید نظر را برای متقاضیانی که با رد تقاضایشان مواجه می‌شوند، تضمین کند.

۲- اطمینان حاصل کند که به هر تبعه افغان که با اخراج مواجه می‌شود فرصت داده شود تا پرونده‌اش توسط یک قاضی بررسی شود، به کمک قانونی دسترسی داشته و از حق تقاضای تجدید نظر برخوردار باشد.

پشتوانه قانونی اخراج و بازگشت پناهجویان افغان، طرح

ساماندهی اتباع غیرمجاز افغان است که از سال ۸۹ آغاز شد. در مرحله اول این طرح حدود یک میلیون و ۴۲۰ هزار نفر سرشماری شدند که در مراحل بعدی «برای حدود ۷۷۰ هزار نفر از آنها برگه بازگشت به افغانستان با اعتبار ۲ ماهه الی یک ساله صادر شد ... برای حدود ۴۵۰ هزار نفر از آنها گذرنامه خانواری و ۵۰ هزار نفر گذرنامه مجردی با تمدید روادید یک ساله صادر شده است ... اقدام سوم هم جمع‌آوری و طرد حدود ۵۰۰ هزار نفر از اتباع غیر مجاز در سال است.»

طرحی که قرار بود به واسطه آن افغان‌های فاقد مدرک در ایران فرصت ثبت‌نام رسمی و تقاضای ویزای اقامت و جواز کار با امکان تمدید آن را پیدا کنند. اگرچه برای این تمهیدها تضمینی وجود نداشت.

این نگرانی‌ها سال گذشته در جریان دیدار اشرف غنی، رییس‌جمهور دولت افغانستان و حسن روحانی نیز مطرح شد. روحانی بعد از دیدار با اشرف غنی به خبرنگاران گفت: «قرار شد همه افرادی که در ایران حضور دارند به دقت ثبت نام بشوند و دو دولت بتوانند ترتیبی را مشخص کنند که افرادی که می‌خواهند در ایران چه برای فعالیت اقتصادی و کاری و چه برای تحصیل حضور پیدا کنند، در چهارچوب قانونی و ویزا تردد کنند».

پناهدگان عراقی در ایران

اولین موج از پناهندگان عراقی در سال ۱۹۷۱ به ایران آمدند. در آن زمان دولت عراق در جریان مناقشه‌های مربوط به جزایر سه‌گانه در خلیج فارس ۵۰ هزار شهروند عراقی ایرانی‌الاصل را از عراق اخراج کرد. موج دوم در سال ۱۹۸۰ و با روی کار آمدن صدام حسین و آغاز جنگ ایران و عراق وارد ایران شدند. در سال ۱۹۹۰ مسوولان ایرانی با انتشار گزارشی شمار مهاجران عراقی را در نیمه آن سال بیش از یک میلیون نفر اعلام کردند. یک سال بعد و پس از شکست احزاب سیاسی شیعه و سرکوب جنبش انتفاضه شعبانیه در بصره به دلیل اوضاع نابسامان سیاسی، نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر دیگر از مردم شهرهای مرزی عراق وارد ایران شدند.

در سال ۲۰۰۳ بخش هماهنگی امور انسان‌دوستانه دفتر سازمان ملل متحد، از حضور بیش از ۲۰۲ هزار پناهنده عراقی در ایران خبر داد. تعداد زیادی از این مهاجران پس از سقوط صدام حسین به عراق بازگشتند. بر اساس آخرین امار رسمی ارایه شده در حال حاضر نزدیک به سی هزار پناهنده ثبت شده عراقی در ایران زندگی می‌کنند. بسیاری از این افراد ساکن شهرهای غربی و مذهبی ایران در استان‌های تهران، قم، اصفهان، خوزستان، خراسان رضوی، ایلام و یزد هستند. از میان این مهاجران، تنها کسانی که پدرهای‌شان شناسنامه ایرانی داشتند، شناسنامه ایرانی گرفتند.

قوانین و مشکلات

بدنه اصلی قوانین پناهندگی در ایران، آیین‌نامه پناهندگان مصوب سال ۱۳۴۲ است. بر اساس ماده اول این آیین‌نامه، پناهنده کسی است «که به علل سیاسی، مذهبی، نژادی، یا عضویت در گروه‌های خاص اجتماعی از ترس جان و شکنجه خود و افراد خانواده‌اش که تحت تکفل او هستند به کشور ایران پناهنده شود».

بر اساس ماده ششم این آیین‌نامه، فرد پناه‌جو در صورت قبول پناهندگی، دفترچه‌ای دریافت می‌کند که «به منزله دفترچه شناسایی و هویت رسمی است که در دفتر شهربانی محل اقامت ثبت می‌گردد و دارنده آن باید هر سه ماه یک بار مراجعه و

حقوق ما

تمدید نمایند».

در این آیین نامه تأکیده شده که «شخص پناهنده پس از قبولی پناهندگی از حقوق اتباع ایران» در موارد «استفاده از خدمات بهداشتی و فرهنگی و اجتماعی»،«اشتغال به حرف و کارهایی که اتباع خارجی در ایران اجازه آن را دارند و هم‌چنین اموری که کمیته دائمی پناهندگان صلاح می‌داند»، برخوردار است. پناهنده هم‌چنین «حق شرکت در فعالیت‌های سیاسی و سندیکایی را ندارد» و «تا حدودی که مخالف نظم عمومی کشور نباشد، می‌تواند آزادانه مراسم مذهبی خود را اعمال کند و به فرزندان خود تعلیمات مذهبی دهد». او هم‌چنین «در انتخاب مسکن آزاد است و در صورتی که از لحاظ امنیت ملی و نظم عمومی مانعی نباشد»، برای او پروانه مسافرتی صادر می‌شود که با آن می‌توانند به خارج از کشور مسافرت نمایند. در مورد «استملاک اموال منقول و غیر منقول پناهنده اصولاً از همان حقوق که برای اتباع خارجه مقرر است استفاده خواهد نمود». پناهنده هم‌چنین «حق دارد برای تظلم و احقاق حق خود به دادگاه‌های کشور مراجعه کند». و «کتبا باید تعهد نماید مادامی که در ایران اقامت دارد مقررات و قوانین دولت ایران را محترم شمارد».

طبق آیین‌نامه «اعطای تابعیت به پناهندگانی که در مدت اقامت در ایران قوانین و مقررات را کاملاً رعایت کرده باشند با نظر مساعد تلقی خواهد شد».

ماده دوازدهم این قانون نیز تأکید می‌کند که «پناهنده را نمی‌توان اجباراً به کشوری که در آنجا جان یا آزادی‌اش به علل سیاسی، نژادی، مذهبی یا تعلقش به بعضی گروه‌های اجتماعی در معرض خطر است، اعزام نمود».

وضعیت اقامتی، تحصیلی و برابر نبودن حقوق شهروندی پناهجویان و پناهندگان در ایران، در کنار گزارش‌های حقوق بشری از وضعیت آن‌ها اما نشان می‌دهد که برای اجرای صحیح این آیین‌نامه ضمانت اجرایی چندانی وجود ندارد. در این میان به ویژه شهروندان افغانستان به عنوان بزرگ‌ترین گروه مهاجران به ایران در چند دهه اخیر، با محدودیت‌های بسیاری در رابطه با حقوق شهروندی خود روبه‌رو هستند. آن‌ها در اغلب موارد از هیچ‌گونه خدمات دولتی برخوردار نیستند و مشکلات متعددی در زمینه کار، تحصیل و خدمات درمانی دارند.

در گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر در سال ۲۰۱۳ موارد نقض حقوق بشر اتباع افغان در ایران – از جمله ضرب و شتم، بازداشت در شرایط غیر بهداشتی و غیر انسانی، پرداخت اجباری پول برای وسایل نقلیه جهت انتقال به اردوگاه‌های اخراج و اسکان آنان در این کمپ‌ها، کار اجباری، و جداسازی اجباری از خانواده‌هایشان – مستندسازی شد.

در این میان ازدواج، تحصیل و وضعیت شغلی آن‌ها در شرایط به مراتب نامناسب‌تری قرار دارد. بر اساس ماده ۱۰۵۹ قانون

۱۵ اکتبر ۲۰۱۶/ مهر ۱۳۹۵ حقوق ما

مدنی، ازدواج مرد خارجی با زن ایرانی، منوط به مسلمان شدن وی و سپس، کسب اجازه مخصوص از طرف دولت است. هم‌چنین مستخدمان دولت که منصب‌های مهمی دارند در ازدواج با اتباع بیگانه با محدودیت‌هایی مواجه هستند. البته و بر اساس یک قانون در سال ۱۳۸۵ دولت ایران اجازه این ازدواج را صادر نمی‌کند. مقام‌های دولتی در ایران عقیده دارند که اتباع افغان برای استفاده از مزایای اجتماعی نظیر تحصیل در مدارس ایرانی، بیمه و خدمات بهداشتی و اجتماعی و هم‌چنین اقامت قانونی در ایران با زنان ایرانی ازدواج می‌کنند.

هم‌چنین در قانون حمایت از خانواده برای مرد خارجی که بر خلاف قوانین با زن ایرانی ازدواج کند، مجازات زندان در نظر گرفته شده.

طبق آخرین آمار رسمی در این سال‌ها بیش از ۳۰ هزار زن ایرانی با مردان افغان ازدواج کرده‌اند، رقمی که البته در آمارهای غیررسمی بیشتر است. در سال ۹۱ دبیرکل اتباع و امور خارجه استانداری تهران به خانواده‌های ایرانی هشدار داد تا دختران خود را به عقد اتباع بیگانه در نیاورند. عیسی موسوی‌نسب در این باره گفته بود: «زنان از هر گونه ازدواج غیرقانونی با اتباع بیگانه خودداری کنند چرا که نه شناسنامه‌ای برای فرزندان آنها صادر می‌شود و نه می‌توان از مبادی قانونی از حقوق آنها دفاع کرد. یکی از معضلات فعلی در این حوزه فرزندان بلاتکلیف رها شده‌اند که نتیجه ازدواج‌های غیرقانونی است و موارد زیادی وجود دارد که مشخص نیست پدران این کودکان در کجا هستند و این کودکان بدون هیچ سندی بلاتکلیف رها شده‌اند». بر اساس ماده ۹۷۶ قانون مدنی «فرزند زوج خارجی‌ای که یکی از آنها در ایران متولد شده باشد، ایرانی دانسته شده اما درباره رسیدن تابعیت از زن هیچ موضوعی مطرح نشده است».

در این معنا، فرزند حاصل از از ازدواج یک زن ایرانی با یک مرد خارجی، ایرانی محسوب نمی‌شود. کودکانی که از این ازدواج شرعی اما غیرقانونی متولد می‌شوند تا ۱۸ سالگی از دریافت شناسنامه محروم هستند. آن‌ها پس از رسیدن به سن ۱۸ سال و یک سال اقامت دیگر در ایران، می‌توانند درخواست تابعیت ایرانی کنند. در این ۱۸ سال اما آن‌ها از حقوق مشابه کودکان ایرانی برخوردار نیستند، از جمله حق تحصیل.

با افزایش حساسیت‌ها و اعتراض‌ها نسبت به حق تحصیل این کودکان، اوایل سال گذشته آیت‌الله خامنه‌ای دستور داد تا همه کودکان افغانستانی، چه آنها که دارای شرایط قانونی حضور در ایران هستند و چه آنها که مدارک قانونی حضور در ایران را ندارد باید در مدارس دولتی ثبت‌نام شوند. به دنبال این ابلاغ و درخواست دولت از آموزش و پرورش مبنی بر ثبت‌نام رایگان این کودکان امیدواری‌های بسیاری برای حل وضعیت نامشخص تحمیل شده بر این کودکان شکل گرفت؛ اما در نهایت و بر اساس آمار رسمی تنها ۱۰ درصد از کودکان بازمانده از تحصیل

افغانی در مدارس کشور ثبت‌نام شدند.

به گفته فاطمه اشرفی، رییس انجمن حامی پناهندگان «در یک تحقیق روی ۹۶۴ کودک افغانستانی در تهران، مشهد و سمنان، عمده‌ترین دلایل عدم‌ثبت‌نام آنها مدرسه عنوان شد که اطلاع‌رسانی نامناسب، ناتوانی از پرداخت شهریه، تکمیل ظرفیت مدارس دولتی، بالا بودن سن و نقص مدارک هویتی از جمله عوامل مؤثر بود».

وضعیت نابسامان اقتصادی پناهندگان ایرانی نیز مشکلات زندگی آن‌ها در ایران را افزایش داده. وضعیت نامناسبی که به دنبال شرایط نامساعد شغلی آن‌ها در ایران شکل گرفته است. تیرماه سال گذشته، اسحاق جهانگیری، معاون اول رییس‌جمهور در بخش‌نامه‌ای اشتغال اتباع بیگانه در ایران را ممنوع اعلام کرد. در متن این بخش‌نامه آمده بود: «در راستای سیاست‌های دولت برای صیانت از نیروی کار داخلی […] مقتضی است همه دستگاه‌های اجرایی دولتی و عمومی غیردولتی و نیز شرکت‌ها و پیمانکاران مرتبط با آنها، کارگران مورد نیاز خود را صرفاً از نیروی کار ایرانی تامین نمایند».

پس از آن، حمید سیلاوی، مدیر کل اتباع و امور مهاجرین استانداری خوزستان، در گفت‌وگویی مطبوعاتی درباره طرح ساماندهی اشتغال اتباع بیگانه گفته بود که «مشاغل چهارگانه برای اتباع خارجی از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در نظر گرفته شده است که کارفرمایان فعال در این مشاغل می‌توانند با درخواست به‌کارگیری اتباع در استان، آن‌ها را در این مشاغل به‌کار گیرند».

در همین راستا، تصویر بخش‌نامه این مشاغل چهارگانه که «الزاماً» توسط اتباع افغان مجاز انجام می‌شود، در خبرگزاری‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. این مشاغل به چهارگروه «کوره‌پزخانه‌ها، کارهای ساختمانی، کارهای کشاورزی و دیگر گروه‌ها» تقسیم شده‌اند. تمام مشاغل گنجانده‌شده، مشاغل بسیار یدی و کم‌درآمد هستند. در واکنش به اعتراض‌ها، حسن طائی، معاون توسعه اشتغال وزارت کار دولت حسن روحانی، در گفت‌وگویی از این بخش‌نامه دفاع کرد و گفت: «در دنیا کارگران کره‌ای و کارگران افغان، کار دوست‌ترین کارگران جهان محسوب می‌شوند».

مشکلات و موانع قانونی و اجتماعی پناهندگان افغان تا حد زیادی فصل مشترک آن‌ها با پناهندگان عراقی است. آن‌ها نیز با مشکلاتی نظیر عدم دریافت تابعیت ایرانی، نداشتن گذرنامه، ثبت نشدن ازدواج و طلاق‌شان در مراجع رسمی، نداشتن حقوق شهروندی و اجتماعی از جمله بیمه، فرصت‌های شغلی، تابعیت شهروندان زاده شده در ایران و عدم وجود آینده تحصیلی و شغلی برای فرزندان‌شان، دست و پنجه نرم می‌کنند.



آیدا فجر

وقتی صحبت از مهاجرت و پناهنجویی در ایران مطرح می‌شود، توجه بسیاری به وضعیت شهروندان افغانستانی جلب می‌شود که دهه‌هاست به ایران و حکومت اسلامی پناه می‌آورند و همواره از حقوق برابر با دیگر شهروندان محروم مانده‌اند. از طرفی در چند سال اخیر، خصوصا پس از جنگ داخلی سوریه و ظهور داعش، بسیاری از اهالی منطقه خاورمیانه، جان خود به دندان گرفته و از آن خطه آشوب‌زده راهی هجرت شده‌اند. سیاست جهان امروز بر محور تعیین تکلیف برای میلیون‌ها انسانی می‌چرخد که آوارگی را زندگی می‌کنند. آیا اسلام درباره مهاجرت یا پناهنجویی دستورالعمل‌هایی دارد؟ این دستورالعمل‌ها چقدر با دنیای امروز هم‌خوانی دارند؟ رفتار حکومت جمهوری اسلامی با مهاجران و پناهنجویان تا چه اندازه بر اساس این دستورالعمل‌هاست؟ اعلامیه جهانی حقوق بشر «اسلامی» به مساله مهاجران و پناهنجویان چگونه می‌نگرد؟

این‌ها بخشی از سوالاتی است که با حسن فرشتیان، دین‌پژوه و حقوق‌دان ساکن فرانسه مطرح کردیم که در ادامه متن کامل آن را می‌خوانید:

اسلام چه موضع‌گیری صریحی درباره مهاجرت دارد؟ آیا می‌توان به راحتی از کشورهای اسلامی کوچ کرد؟ شرایط آن چیست؟

تقویم مسیحیت با میلاد عیسی مسیح آغاز می‌شود و «تقویم میلادی» نامیده می‌شود، ولی تقویم اسلامی با «هجرت» پیامبر از مکه به مدینه آغاز می‌شود و «تقویم هجری» نامیده می‌شود. همین نکته، نشان از اهمیت هجرت در زیربناسازی فرهنگ اسلامی دارد. در برخی از آیات قرآن، واژه‌های «ایمان»، «هجرت» و «جهاد» در کنار هم آورده شده و این توصیفات، از نشانه‌های رستگاری برشمرده شده است. مثل آیه ذیل: «کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جان‌شان به جهاد پرداخته‌اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند»^۱.

در فرهنگ اسلامی، یکی از صفات برجسته مومنان، «مهاجرت» است. به همین دلیل برخی از فقها، یکی از شرایط

رهبری مسلمانان را «هجرت» می‌دانند و بر این باور هستند که رهبر و خلیفه مسلمین باید هجرت کرده باشد. آیات قرآن به هجرت‌های مختلفی تصریح دارد که برخی هجرت‌های سرزمینی است و برخی هجرت‌های درونی، کوچ از بدی‌ها به سوی نیکی‌ها. اما آنچه به عنوان هجرت سرزمینی در قرآن طرح شده است، کوچ‌های گوناگون و با اهداف متنوعی است. برخی از این هجرت‌ها برای فرار از ستم‌گری و برای یافتن سرزمینی است که مسلمانان بتوانند دین و ایمان‌شان را حفظ کنند، مثل هجرت اولین گروه مسلمانان به حبشه، که از شر آزار سران کفار قریش به حبشه هجرت کردند.

در برخی شرایط قرآن حتی توصیه به مهاجرت دارد. چه شرایطی برای این توصیه وجود دارد؟ آیا می‌توان

گفت‌وگو با حسن فرشتیان

اسلام مشوق مهاجرت است



نزول قرآن، این مهاجرت از سرزمین‌های تحت حاکمیت کفار، یعنی تحت حاکمیت اسلام‌ستیزان به سوی سرزمین‌های آزاد بود، اما ملاک مهاجرت، سرزمین اسلامی و غیراسلامی نبود بلکه ملاک، گریز از این ستم‌ها و فشارها بود. متأسفانه اکنون مصداق سرزمین‌های فشار، گاهی سرزمین‌های اسلامی است که مسلمانان یا نامسلمانان تحت فشار و ستم حاکمیت‌ها یا گروه‌های مختلف اعم از گروه‌هایی با پرچم اسلام‌گرایی یا بدون این پرچم، قرار می‌گیرند. ملاک این نوع از مهاجرت‌ها، کوچ از سرزمین‌های فشار است.

یکی دیگر از موارد توصیه قرآن به هجرت، مهاجرت برای فراگیری دانش است: «و شایسته نیست که مؤمنان همگی کوچ کنند پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند باشد که آنان بیم ببیزند»^۲. البته این مهاجرت ربطی به سرزمین اسلامی و غیراسلامی، سرزمین فشار یا سرزمین آزاد ندارد، بلکه معیار، مهاجرت به سرزمین‌های مهد دانش است.

قرآن، نه تنها به این مهاجرت‌ها توصیه می‌کند بلکه برای این مهاجرین امتیازات ویژه‌ای قائل شده است و به آنان وعده زندگی بهتری در همین دنیا داده است: «و هر که در راه خدا هجرت کند، در زمین اقامت‌گاه‌های فراوان و گشایش‌ها خواهد یافت و هر کس برای هجرت در راه خدا و پیامبر او از خانه‌اش به درآید سپس مرگ‌اش دررسد پاداش او قطعا بر خداست و خدا آمرزنده مهربان است»^۳. در برخی آیات دیگر، به مهاجرین وعده رزق نیکو داده شده است: «و آنان که در راه خدا مهاجرت کرده‌اند و آن‌گاه کشته شده یا مرده‌اند قطعا خداوند به آنان رزقی نیکو می‌بخشد و راستی این خداست که بهترین روزی‌دهندگان است»^۴.

علاوه بر پاداش این دنیایی، به مهاجرین وعده‌های نیکی برای زندگی اخروی آنان نیز داده شده است: «و کسانی که پس از ستم‌دیدی در راه خدا هجرت کرده‌اند در این دنیا، جای نیکویی به آنان می‌دهیم و اگر بدانند قطعا پاداش آخرت بزرگ‌تر خواهد بود»^۵. در آیات دیگری نیز به همین وعده‌های نیک تصریح شده است از قبیل این آیه «پس کسانی که هجرت کرده و از خانه‌های خود رانده شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده‌اند بدی‌هایشان را از آنان می‌زدایم و آنان را در باغ‌هایی که از زیر آن نهرها روان است درمی‌آورم، این‌ها پاداشی از جانب خداست و پاداش نیکو نزد خداست»^۶.

در خصوص مهاجرپذیری چطور؟ حالا اگر کشور پذیرنده اسلامی باشد، قواعد یا دستورالعمل خاصی در خصوص پذیرش پناهنجویان/ مهاجران و نحوه برخورد با آن‌ها

این توصیه‌ها را از کشورهای اسلامی هم بسط داد؟
یکی از مواردی که قرآن به صراحت، توصیه به مهاجرت کرده و مهاجرت نکردن را ناپسند تلقی می‌کند در مورد کسانی است که به بهانه فشارهای حاکمیت، تن به پذیرش ستم داده بودند، لذا در آیه‌ای از قرآن می‌گوید: «کسانی که بر خویشتن ستم‌کار بوده‌اند، زمانی که فرشتگان جان‌شان را می‌گیرند می‌گویند در چه حالی بودید، پاسخ می‌دهند ما در زمین از مستضعفان بودیم، می‌گویند مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید، پس آنان جایگاه‌شان دوزخ است و آن‌جا بد سرانجامی است»^۷.

از این توصیه‌های قرآنی می‌توان دریافت که مهاجرت برای فرار از ستم‌گران، نه تنها مهاجرت پسندیده‌ای تلقی می‌شود، بلکه از مهاجرت‌های توصیه‌شده قرآنی است. هرچند در زمان

وجود دارد؟

در پاسخ پرسش پیشین به آیت‌های اشاره شد که گزاره‌های «ایمان»، «هجرت» و «جهاد» را در یک ردیف قرار داده بود و برای مومنان و مهاجران و مجاهدان، پاداش‌های ویژه دنیوی و اخروی طرح شده بود. در کنار آیات فوق، با دسته‌ای دیگر از آیات قرآنی مواجه هستیم که در کنار مومنان و مهاجران و مجاهدان، گروه چهارمی را نیز به عنوان مومنان برجسته مطرح کرده و به آنان نیز وعده‌های غفران و رزق و روزی‌های نیکویی داده شده است. این گروه چهارم «پناه‌دهندگان به مهاجران» یعنی گروه «مهاجرپذیر» است، از قبیل آیه ذیل: «و کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا به جهاد پرداخته و کسانی که مهاجران را پناه داده و یاری کرده‌اند آنان همان مؤمنان واقعی‌اند برای آنان بخشایش و روزی شایسته ای خواهد بود».^۸ در صدر اسلام از این گروه به عنوان «انصار» نام برده می‌شد.

از سویی دیگر در برخی از آیات قرآن، صریحا به پیامبر دستور داده شده است اگر مشرکین به وی پناه آوردند، به آن‌ها پناه بدهد: «و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش بده تا کلام خدا را بشنود سپس او را به مکان امنش برسان، چرا که آنان قومی نادانند».^۹ چنان‌چه ملاحظه می‌شود در این آیه، هر چند مربوط به پناهجویان مشرکین است، نه تنها دستور به پذیرش پناهجویان داده شده است، بلکه حتی دستور به تأمین امنیت آنان داده شده است تا آنان به مکان امنی رسانده شوند و از شرّ اذیت و آزار سایر مشرکین در امان بمانند.

هر چند مهاجرت‌های معاصر، به شکل کنونی، در عصر پیدایش اسلام مطرح نبوده است و مستقیما مورد داوری قرار گرفته نشده است، اما برخی از مفاهیم ریشه‌ای و مبنایی وجود دارد که از آن مفاهیم اولیه، می‌توان خط راهنمای مهاجرپذیری در فرهنگ اسلامی را جست‌وجو کرد. یکی از این مفاهیم، مفهوم «ذمه» است. به عنوان مثال، پیمان حمایت مسلمانان مدینه از مسیحیان نجران «ذمه»، در دوران پیامبر، پیش‌درآمدی برای حمایت از حقوق اقلیت‌هایی بود که به نوعی به مسلمانان پناه می‌آوردند. برخی دیگر از مفاهیم، مثل دستور به «حمایت از ستم‌دیدگان»، نیز رهنمونی برای در پناه خویش گرفتن ستم‌دیدگان است. علی به فرزندان‌اش حسن و حسین وصیت می‌کند که «دشمن ستم‌گر و یار ستم‌دیده باشید».^{۱۰} یکی دیگر از این دستورالعمل‌های مبنایی، دستور «کمک به کمک‌جویان» است. از قول پیامبر نقل شده است که «هر که فریاد کسی را بشنود که می‌گوید: ای مسلمان‌ها به دادم برسید و به او کمک نکنند، مسلمان نیست».^{۱۱} آداب مهمان‌پذیری در اسلام، نیز یکی دیگر از این توصیه‌های مبنایی اسلام است. توصیه اسلام به «اکرام ضیف» نیز می‌تواند به عنوان مینا و پایه پناه‌جوپذیری تلقی شود. در حدیثی وارد شده که از تعالیم

پیامبر به علی این بوده است که «هرکس به خدا و روز جزا ایمان دارد باید میهمان‌اش را گرمی داشته و اکرام نماید».^{۱۲}

با وجود این، در ایران سال‌هاست که مهاجران از جمله افغانستانی‌ها از حقوق شهروندی محروم هستند. علی‌رغم این دستورالعمل‌های اسلامی و آیه‌های قرآنی، آیا این محرومیت‌های حقوقی خلاف شرع اسلام نیست؟ برخورد ما ایرانیان با مهاجرین افغانستانی، از دو جهت قابل بررسی است. برخورد ما از جهت شهروندان ایرانی، که در این مورد صرف‌نظر از دین و ایمان ما و آن‌ها، ما به نام انسانیت و انسان‌دوستی در برابر آنان مسولیت داشته و داریم. اگر کشور ما یک کشور اسلامی نبود و اگر ما مسلمان هم نبودیم باز نسبت به افغانستانی‌ها مسولیت داشته و داریم.

اما چون پرسش شما از منظر دستورالعمل اسلامی است، بایستی تصریح کنم که ما از جهت اسلامی، یعنی ما به عنوان مسلمانان نیز، و کشور ما به عنوان کشوری با پسوند «اسلامی» نیز، مسولیت مضاعفی داشته و داریم. افغانستانی‌ها نه تنها هم‌نوعان و همسایگان ما هستند بلکه از دیدگاه اسلامی، آنان برادران دینی ما هستند. دستورالعمل‌هایی که در پاسخ به پرسش پیش، اشاره شد هرکدام می‌تواند به عنوان مبنایی از علایم راهنمای مسلمانان باشد. دستور به «حمایت از ستم‌دیدگان»، دستور به «کمک به کمک‌جویان»، هرکدام‌شان می‌تواند راهنمای عمل مسلمانان در برابر افغانستانی‌ها باشد. آداب مهمان‌پذیری در اسلام نیز این‌جا به کار می‌آید، هر چند می‌توان مدعی شد که ایشان میهمانانی نبوده‌اند که ما آنها را دعوت کرده باشیم، ولی میهمان ناخوانده نیز آدابی دارد. بدون تردید تبعیض‌ها و تحقیرهایی که ما در مورد افغانستانی‌ها داشته‌ایم، سبب می‌شود که ما یک بدهکاری تاریخی به آن‌ها داشته باشیم و یک پوزش جدی به آن‌ها بدهکار باشیم.

جدای از مسولیت انسانی که به آن اشاره کردید اما آیا می‌توان رفتار جمهوری اسلامی با مهاجران خصوصا افغانستانی را غیرشرعی ارزیابی کرد؟

بدون تردید، وقتی دستورات شرع در این مورد که قبلا اشاره کردیم را با رفتاری که در عمل شده است، مقایسه می‌کنیم تفاوت این رفتار را با آموزه‌های اسلامی درمی‌یابیم. به ویژه که بخش‌هایی از این حق و حقوق مهاجرین افغانستانی، از دیدگاه شرع، حق‌الناس محسوب می‌شود، حق اشتغال، حق مسکن، حق تحصیل، همه این‌ها از حقوق‌الناس است. اسلام تأکید ویژه‌ای بر رعایت حق‌الناس دارد که در نسبت به حق‌الله، تأکید بیشتری بر آن شده است. متأسفانه ما در زمینه شریعت و حق‌الله حساسیت شدید نشان می‌دهیم اما نوبت به حق‌الناس که می‌رسد توجه کم‌تری داریم.



معمولا جمهوری اسلامی هر موضوعی را از نظر حقوقی با اسلام تطبیق می‌دهد. حالا که اعلامیه جهانی حقوق بشر هم اسلامی شده، آیا مهاجرت و مهاجرپذیری در آن مورد توجه خاص قرار گرفته است؟

معمولا در این‌گونه موارد ما مدعی می‌شویم که این حقوق بشر در اسلام بیشتر و بیشتر رعایت شده است که در مواردی هم همین‌گونه است. البته این ادعاهای ما، بیشتر در حد شعار برای تبلیغ داشته‌های آیینی ماست، تفاوت میان شعارهای ما و عملکردمان، گاه بسیار است.

کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان که در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ در ژنو به امضاء رسیده فقط در مورد اشخاصی اجرا می‌شد که در نتیجه حوادث قبل از تاریخ اول ژانویه ۱۹۵۱ به صورت پناهنده در آمده بودند. لذا در پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ صورت پناهنده در آمده بودند. لذا در پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ مربوط به وضع پناهندگان، مصادیق پناهندگی تعمیم پیدا کرد. کشور ایران نیز در سال ۱۳۵۴ به این پروتکل پیوست. اگر دقت کنیم میثاق‌های مربوط به پناهندگی مثل معاهده ۱۹۵۱ ژنو، پروتکل الحاقی ۱۹۶۷، اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، همگی پدیده‌های مدرنیست که پس از جنگ دوم جهانی و ضرورت‌های ناشی از آن، پدیدار شده است. هر چند این مفاهیم حقوقی، ناشی از پدیده‌های مدرنیست است که نباید انتظار یافتن آن را در پدیده‌های کهن داشت، اما برخی از این دستورالعمل‌ها، دستورالعمل‌های ابتدایی رعایت حقوق هم‌نوعان است که پیش از ورود به دوران مدرن نیز، مورد توجه بوده است و در بسیاری از فرهنگ‌های کهن، اعم از مذاهب یا سایر فرهنگ‌های کهن بشری، ریشه‌های آن یافت می‌شود.

در مورد حق پناهندگی، «اعلامیه حقوق بشر اسلامی»^{۱۳} مثل «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، این حق را به رسمیت شناخته است. البته در این دو اعلامیه، تفاوت‌های اساسی وجود دارد. به عنوان نمونه، ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر، در مورد حق پناهندگی، افرادی را که به دلیل غیرسیاسی تحت پیگرد قضایی باشند یا مرتکب عمل مغایر با اهداف و اصول ملل متحد باشند، استثنا کرده است: «هر انسانی سزاوار و محق به پناهجویی و برخورداری از پناهندگی در کشورهای پناه‌دهنده در برابر پیگرد قضایی است. چنین حقی در مواردی که پیگرد قضایی منشایی غیرسیاسی داشته باشد یا نتیجه ارتکاب عملی مغایر با اهداف و اصول «ملل متحد» باشد، ممکن است مورد استناد قرار نگیرد». اما ماده ۱۲ «اعلامیه حقوق بشر اسلامی»، افرادی را که مرتکب جرم شرعی شده باشند، استثنا کرده است: «هر انسانی بر طبق شریعت، حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشور را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن، می‌تواند به کشور دیگری پناهنده شود، و بر آن کشور پناه‌دهنده واجب است که با او مدارا کند، تا این که پناهگاهی برایش فراهم شود، با این شرط که علت پناهندگی به خاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد». همچنان‌که مشاهده می‌شود، در این ماده اخیر، منشا این حق را نیز شریعت تلقی کرده است.

اما صرف نظر از این تفاوت‌های شکلی و ماهوی، در مورد سیل گسترده مهاجرین در برهه کنونی، دستورالعمل‌های کلی اسلامی می‌تواند مورد استناد قرار بگیرد. دستورالعمل‌هایی که قبلاً اشاره کردیم از قبیل ضرورت «حمایت از ستم‌دیدگان»، «کمک به کمک‌جویان»، «اکرام ضیف» و... هر کدام می‌توانند به عنوان مبنایی برای مشروعیت به رسمیت شناختن حق پناهندگی، مورد توجه دین‌داران قرار بگیرند.

پانوشت‌ها:

۱. الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةٍ عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (توبه، آیه ۲۰).
۲. إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (نساء، آیه ۹۷).
۳. وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (توبه، آیه ۱۲۲).
۴. وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مَرَاغِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (نساء، آیه ۱۰۰).
۵. وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قَاتَلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (حج، آیه ۵۸).
۶. وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَآئِجُ الْأُخْرَى أَكْثَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (نحل، آیه ۴۱).
۷. «... فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَوْدُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الثَّوَابِ (آل عمران، آیه ۱۹۵).
۸. وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (انفال، آیه ۷۴).
۹. وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ (توبه، آیه ۶).
۱۰. كُونَا لِلظَّالِمِ حَضَمًا، وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا (بُهج البلاغه، نامه ۴۷).
۱۱. مَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ (وسائل الشيعه، ج ۱۱، باب ۵۹: وجوب معونه الضعيف).
۱۲. مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ (وسائل الشيعه، ج ۱۶، باب ۴۰: استحباب اكرام الضيف).
۱۳. «اعلاميه حقوق بشر اسلامي»، توسط سازمان كنفرانس اسلامي در ۵ اگوست ۱۹۹۰ در قاهره تصويب شد. اين اعلاميه معمولاً به عنوان واكنش اسلامي به اعلاميه جهاني حقوق بشر تلقى مي‌شود.



پناهندگی زنان؛ سفری که در مقصد به پایان نمی‌رسد

به امکانات اولیه درمانی و بهداشتی را به خصوص برای زنان باردار و مادران، به دنبال دارد. ورود اجباری به نیروهای نظامی، احتمال ربوده شدن و به بردگی جنسی گرفته شدن هم همواره وجود دارد. در حالی که معمولاً زنان از زخمی‌شدگان و بیماران مراقبت می‌کنند، همچنان در بسیاری از جنگ‌ها «تجاوز» به زنان و دختران یک تاکتیک جنگی است. زنان هم شاهد از دست رفتن اعضای خانواده خود هستند، هم بی‌خانمان می‌شوند. اما چه زنان بدون مردان در سرزمین‌های فقرزده و جنگ‌زده باقی بمانند و چه راه فرار را انتخاب کنند، خشونت و آزار جنسی، سهم آنها می‌شود. حدود ۸۰ درصد از جمعیت پناهندگان و پناهجویان سراسر جهان زن و کودکانند. بنا بر آخرین آمارها، زنان و کودکان بیش از نیمی (۵۰.۴ درصد) از ۸۰۷۵۴ پناهجویی هستند که از آغاز سال ۲۰۱۶ تاکنون به کشورهای کرانه دریای مدیترانه رسیده‌اند. جداسدن از وطن و از دست دادن حمایت‌های قانونی تنها بخشی از مشکلات آنها در راه پناهندگی است.

کمیساریای پناهندگان سازمان ملل متحد UNHCR اعلام کرده است که زنان پناهنده نسبت به مردان پناهنده در برابر اشکال مختلف سوء استفاده آسیب پذیرترند. زنان در صورتی که تحت تعقیب قانونی باشند، به فرار متصل می‌شوند و در این مسیر همه چیز را از دست می‌دهند که مهم‌ترین آن فضای حمایت‌کننده و محیط آشنای اجتماعی آنهاست. تجاوز، خشونت فیزیکی، آزار

این تصور وجود دارد که مردان بیشتری برای زندگی بهتر رنج خروج از کشور خود را به جان می‌خرند و راه پناهندگی را در پیش می‌گیرند. بر اساس این باور، مردان می‌دانند که در راه پناهندگی برای به دست آوردن پول و غذا از زنان راحت‌ترند و اگر به مقصد برسند، امکان یافتن کار یا تحصیل برایشان فراهم‌تر است. پس در پناهندگی انتخابی، شاید تعداد مردان بیشتر از زنان باشد. اما جایی که فرصت و امکان انتخاب نیست، در هنگام جنگ و قحطی و ناامنی، دیگر کسی برای پناهنده شدن، به جنسیت فکر نمی‌کند. زنان و دختران هم مانند مردان، در جنگ کشته، مجروح، معلول و شکنجه می‌شوند. بسیاری از آنها خانه و محل سکونت‌شان را به اجبار ترک می‌کنند. این آوارگی، محرومیت‌هایی مثل عدم دسترسی



نعیمه دوستدار

جنسی و اجبار به تن فروشی برای اکثریت زنان پناهنده عامل نگرانی است.

با این حال همان‌طور که پناهندگی به ذات خود امری مردانه تلقی شده، ابزارهای حقوقی و حمایت‌های قانونی هم در وهله اول برای مردان تعریف شده است.

حق پناهندگی زنان آسان به دست نمی‌آید

سازمان پناهندگان ملل متحد همچنین تاکید می‌کند که زنان به سهولت حق پناهندگی را به دست نمی‌آورند. زنانی که به دلیل پیگرد قانونی بر اثر مسایل جنسی مجبور به تقاضای پناهندگی می‌شوند، برای انتقال تجربه خود به ماموران بررسی پرونده مشکل دارند.

زنان و دخترانی که تقاضای پناهندگی می‌کنند، معمولاً از سوی ماموران بررسی پرونده در درک شرایطی که آنان را وادار به ترک سرزمین‌شان کرده دچار مشکل می‌شوند. آنها با ناباوری و مشکلات پیچیده اداری مواجه می‌شوند و بعید است که سرگذشت تکان‌دهنده و اکثراً پیچیده آنها در ۴۸ ساعت مصاحبه، با توجه و دلسوزی شنیده شود و مورد داوری سالم قرار بگیرد. در روند مصاحبه برای پناهندگی، بسیاری از زنان از امکان مصاحبه با کارمندان زن محرومند و همین امکان بازگویی روایت‌هایی را که بر آنها رفته، دشوارتر می‌کند. آنها که کم سواد یا بی سواد باشند در روند مصاحبه‌ها دچار مشکلات بیشتری می‌شوند و در روند انجام این مراحل، اغلب از حمایت مشاوران و سازمان‌های حامی حقوق زنان بی‌بهره‌اند. مثلاً زنان ربوده شده و قربانیان تجارت سکس اغلب حتی از سوی ماموران رسیدگی به پرونده خود، دو برچسب می‌خورند: علاوه بر رسوایی تجاوز جنسی، متهم می‌شوند که با رضایت وارد رابطه جنسی شده‌اند. این در حالی است که بسیاری از این زنان به دنبال جنگ یا بحران‌های اجتماعی دیگر؛ پدر و مادر، شوهر و اعضای خانواده خویش را از دست داده‌اند و از سوی سوجدویان وادار به فحشا شده‌اند.

پیش از انتقال به کشور مقصد، در برخی از کشورها، پناهجویان زن را در زندان‌های معمولی زندانی می‌کنند و با آنها مانند افراد جنایت‌کار رفتار می‌شود. آن‌ها را از سایر زندانیان جدا می‌کنند و این تجربه بر روح و روان آنها اثر عمیق و جبران‌ناپذیری می‌گذارد. سازمان عفو بین‌الملل هم مواردی از سوء استفاده از زنان پناهجو و پناهنده را در دوران زندان بررسی و در گزارش‌های مختلف خود به آنها استناد کرده است.

غیبت تقاضای پناهندگی به دلایل زنانه در اسناد بین‌المللی

درست است که اسناد مربوط به حمایت از پناهجویان، پناهجوی زن و مرد را متفاوت نمی‌داند اما این اسناد گویی برای مردان نوشته شده‌اند. مثلاً کنوانسیون رسیدگی به وضعیت پناهندگان مصوب ۱۹۵۱ در بند ۱ ماده ۱ می‌گوید: «... پناهجو شخصی است که به علت ترس از آزار و اذیت به دلایلی چون نژاد، دین، ملیت، عضویت در گروه‌های اجتماعی خاص یا عقاید سیاسی از کشورش خارج شود و به همین دلیل خواهان استفاده از حمایت‌های کشور محل تولد یا



شهروندی‌اش نباشد. هم‌چنین پناهجو کسی است که ملیت ندارد یا خارج از کشوری است که قبلاً به صورت دائمی در آن اقامت داشته است و به دلیل ترس‌های اشاره شده، نخواهد به آن کشور بازگردد».

هم‌چنین در بخش دیگری از این کنوانسیون آمده که «هیچ دولت عضو کنوانسیون نباید پناهجویی را که زندگی یا آزادی‌اش بر مبنای نژاد، دین، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی خاص یا عقیده سیاسی در خطر است از سرزمین‌اش اخراج کند یا به کشور ملیتش برگرداند».

در بندهای مورد اشاره همواره از ضمیر مذکر استفاده شده است و علاوه بر آن این کنوانسیون به آزارهای مرتبط با جنسیت به عنوان دلایلی برای پناهندگی اشاره نمی‌کند. این نوع آزارها به عنوان «عضویت در گروه‌های اجتماعی خاص» طبقه‌بندی شده‌اند.

بر اساس چنین روندی است که کمیته اجرایی سازمان ملل متحد در مورد زنان نتیجه گرفته که: «زنان پناهجو را که با بی‌رحمی و رفتار غیر انسانی به جرم نادیده انگاشتن برخی نرم‌های اجتماعی به سختی با آنان رفتار شده را می‌توان به مثابه گروه معین اجتماعی شناخت که مورد تعقیب قرار دارند».

با این ترتیب زنان تحت حمایت مواد کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد پناهندگی قرار می‌گیرند و برخی از سازمان‌های حامی حقوق زنان هم سعی می‌کنند با استناد به همین موضوع از زنان حمایت کنند بدون اینکه در تعریف اعطای پناهندگی در متن کنوانسیون، ستم بر زنان با صراحت به عنوان دلیل مطرح شده باشد.

به دنبال همین روند، بسیاری از کشورها اساساً مساله جنسیت را به عنوان دلیلی برای پناهندگی قبول ندارند. تا سال ۱۹۹۳ کانادا از آن جمله بود و پس از آن به دنبال فشار فعالان مدنی، تغییراتی در قانون مدنی این کشور ایجاد شد و مسأله پیگرد درارتباط به جنس یا Gender، را برای پناهندگی پذیرفت.

هلند نیز نمونه دیگری است که مثلاً خشونت خانگی را خشونت خصوصی دانسته و آن را دلیل اعطای پناهندگی نمی‌داند و چنین زنانی ممکن است تنها بر اساس انسان‌دوستی پناهندگی دریافت کنند. هم‌چنین زنانی که قربانی تجارت سکس‌اند، نه حق پناهندگی که اقامت معمولی بر اساس اصول انسان‌دوستانه دریافت می‌کنند. علاوه بر این، در بسیاری از کشورها به اعضای خانواده پناهنده، تنها اقامت داده می‌شود. این مساله به معنی بالا رفتن امکان اخراج از کشور است که زنان را با تبعیض بیشتری روبه‌رو می‌کند. از آنجا که پناهندگی امکان طلاق و بر هم خوردن روابط خانوادگی را تشدید می‌کند، در چنین شرایطی زنان در صورت اخراج به کشور خودشان با مشکلات بیشتری روبه‌رو خواهند شد.

هم‌چنین در صورتی که زنان پناهجو به مردان خانواده خود وابسته باشند، دوران پناهندگی برای آنها دشوارتر هم می‌شود چون نداشتن مدارک، نداشتن مهارت زبان و تجربه شغلی آنها را در تمام مراحل پناهندگی دچار مشکل می‌کند.

کمپ‌هایی ناامن‌تر از خانه

اما در مسیر پناهندگی تنها کسب پناهندگی نیست که دشوار است. زنانی که از اوضاع خطرات کشور خود گریخته‌اند، تازه به دامن

خطرات تازه‌ای می‌افتند. گزارش‌هایی که از کمپ‌های پناهندگی منتشر می‌شود، نشان می‌دهد که زنان در این فضاها در ناامن‌ترین شرایط قرار دارند. کمپ‌هایی در فضای باز و ماموران و پناهجویان مردی که انواع آزار جنسی را به آنها تحمیل می‌کنند.

هم‌چنین امکانات کمپ‌های پناهندگی برای زنان محدود است. نبود وسایل بهداشتی، از نوار بهداشتی گرفته تا امکانات پیشگیری از بارداری تنها بخشی از مشکلات درون کمپ‌هاست. گاهی توزیع غذا و مایحتاج اولیه با تبعیض جنسیتی صورت می‌گیرد. تامین نیازهای اولیه خوراکی و پوشاکی، گاه زنان را در معرض سوء استفاده بیشتر قرار می‌دهد و آنها برای به دست آوردن حداقل‌ها مجبور به تن‌فروشی می‌شوند.

علاوه بر این، امکان جذب زنان و دختران به باندهای فحشا و قاچاق انسان بیشتر است. قاچاقچیان انسان با وعده اقامت در کشوری بهتر، یا سرعت بیشتر برای دریافت اقامت یا با وعده اشتغال، زنان را برای بردگی جنسی به کار می‌گیرند و آنها تا سال‌ها مجبورند برای بازپرداخت وامی که قاچاقچیان ادعا می‌کنند به آنها داده‌اند، برای آنها کار کنند.

ازدواج‌های اجباری و ازدواج در کودکی، مشکل دیگر بر سر راه پناهجویان زن است. آنها که گاه تمام حامیان خود را در خانواده از دست داده‌اند، به دلیل فقر یا به اجبار اعضای مذکر خانواده وادار به ازدواج‌های زودرس می‌شوند.

سلامت زنان پناهجو، اغلب آخرین چیزی است که مورد توجه قرار می‌گیرد. امکانات پزشکی و بهداشتی کمپ‌ها کفاف نیازهای زنانی را که ماه‌ها در مسیرهای دشوار با سوء‌تغذیه و بیماری‌های مختلف روبه‌رو بوده‌اند نمی‌دهد. اگر در چنین شرایطی زنی باردار باشد، وضعیت حادث می‌شود، زنان باردار در مسیر پناهندگی اغلب نه تنها حمایت‌های پزشکی دریافت نمی‌کنند؛ بلکه باید دوران دشوار بارداری و مراحل زایمان را در مسیرهای خطرناک یا در کمپ‌های بدون امکانات بگذرانند. امکان استراحت پس از زایمان ندارند و مجبورند برای همراهی با سایر اعضای گروه که اغلب اعضای خانواده هستند، در هر شرایطی به حرکت ادامه دهند.

اما آیا مشکلات زنان پناهجو با کسب پناهندگی تمام می‌شود؟ پاسخ به این سوال منفی است. حتی در صورت کسب پناهندگی، شرایط برای یک زن پناهنده به مراتب دشوارتر از یک مرد پناهنده است. زنانی که به دلیل محرومیت‌ها و تبعیض‌های سرزمین خود اغلب دسترسی کمی به آموزش داشته‌اند، برای کسب شغل، یادگیری زبان و تطابق با محیط دشواری‌های بیشتری بر سر راه دارند. در مقایسه با یک پناهنده مرد، راه درازی پیش روی زنانی است که باید زندگی را در ساختار جامعه تازه‌ای که هنوز از تبعیض و خشونت خالی نیست، آغاز کنند. رها شدن از ساختار سنتی گروه‌های پناهندگان و عبور از روند بروکراتیک کشورهای میزبان، برای زنان بسیار دشوارتر است: آن هم در شرایطی که این زنان با پشت سر گذاشتن تجربیاتی تلخ و تروماتیک، اغلب کم‌ترین امکان را برای استفاده از خدمات مشاوره‌ای و درمانی دارند.

پناهندگی زنان، سفری است که با رسیدن به مقصد به پایان نمی‌رسد.

پناهندگان ایرانی در جهان؛

اسم ساده پناهجو، درد هزار توی بی وطنی



ماهرخ غلامحسین پور

آنها اسم ساده‌ای دارند؛ «پناهجو»

اما مشکلاتشان به سادگی این واژه دو سیلابی نیست. مهاجرت به کندن یک درخت از ریشه می‌ماند، گاهی درخت، در کشور مقصد ریشه می‌دواند و میوه مدهد، گاهی هم ریشه‌ها همراه با جاکن شدن از خاک - وطن - می‌میرند و درخت بی هویت و بی برگ و بار، روی دست کره زمین می‌ماند تا ابد.

شاید به همین دلیل است که هم‌زمان با شعله‌ور شدن آتش مناقشه و درگیری در طول چند سال گذشته در منطقه خاورمیانه و بالا گرفتن بحران پناهندگی و افزایش خیل عظیم پناهجویان در به در، تن‌تبار زمین هم درد می‌کند.

در این میان جنگ‌زدگان بی پناه، تن به مرگ‌های دل‌خراش می‌دهند تا به سرپناهی امن برسند و جان‌شان را از دست مرگ به در ببرند. مقصدشان غالباً کشورهای امن جهان است، کشورهای اروپایی هم‌چون آلمان و اتریش و مجارستان و یا استرالیا، آمریکا و کانادا.

آنها غالباً با بی‌مهری کشورهای میزبان و مرزهای بسته شده مواجه‌اند و به همین دلیل هم در طول مسیر به سمت کشورهای مقصد، داستان‌های بسیار دردناکی از حال و روزشان در دنیای مجازی منتشر شده است. خبر مرگ دلخراش ۷۱ پناهجو که به شکلی فشرده در یک کامیون در بزرگراهی در شرق اتریش پیدا شدند، یا فیلم‌های متعدد هولناکی که واژگونی قایق پناهجویان استرالیا را نشان می‌دهد، تصویر جسد ایلان پسرک سه ساله سوری و از اهالی شهر محاصره شده کوبانی که در شن‌های ساحل بدروم ترکیه خوابیده و مامور گارد مرزی این کشور بالای سر او ایستاده، تنها بخشی از زخم بزرگ این روزهای زمین است، زخمی به نام پناهجویی، بی‌وطنی و بی‌خانمانی.

بیش از ۶۰ میلیون پناهنده فقط برای یک سال

به گزارش سازمان ملل، شمار آوارگان جهان در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۶۰ میلیون نفر رسیده است.

همچنین کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان در سال ۲۰۱۴ اعلام کرده بود جهان با بحران تازه‌ای در مورد پناهجویان روبه‌رو شده، بحرانی که عملاً از حل آن عاجز مانده و رکود بی‌سابقه‌ای در این مورد به ثبت رسیده است.

در این سال بیش از ۵۶ میلیون انسان به علت جنگ‌های خانمان‌سوز، به سمت و سوی دیگر جهان تارنده شده‌اند. این رقم بالاترین آمار ثبت شده بعد از جنگ جهانی دوم تا آن زمان بوده است.

سوری‌ها در نخستین رده پناهجویی جهانند، اما نمی‌توان آمار قابل توجه افغانستانی‌ها، ایرانی‌ها، عراقی‌ها، اوکراینی‌ها، اهالی نیجریه،

صربستانی‌ها، اهالی روسیه، پاکستانی‌ها، اهالی سودان جنوبی، اریترایی‌ها و اقلیت‌های مذهبی مندایی و ایزدی را نادیده گرفت. کانون پناهندگان سیاسی ایرانی در برلین از قول سازمان فدرال آلمان در سال ۲۰۱۴ از درخواست پنج میلیون و ۳۹۴ ایرانی برای پناهندگی در این کشور خبر داد. همین سال بیش از ۳۰ میلیون و ۸۶۲ مهاجر افغانستانی، متقاضی اقامت در کشور آلمان بوده‌اند که قریب به ۳۰۰ برابر، بیش از آمار متقاضیان سال ۲۰۱۴ بوده است. در سال ۲۰۱۳ کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان گفت که چهار درصد کل پناهجویان جهان ایرانی بوده‌اند. این رقم با توجه به اینکه ایران در شرایط جنگی نیست، آمار حائز توجهی است.

ایرانیان پناهجو غالباً کشور ترکیه را به عنوان کشور واسط انتخاب می‌کنند. آنها در کشور ترکیه شرایط دشوار و تحت فشاری را سیری می‌کنند و گاه ناچارند تا زمان تعیین کشور میزبان، سال‌های متوالی در وضعیت تعلیق و بلاتکلیفی در این کشور بمانند.

هراس بی وطنی

مریم دهکردی، روزنامه‌نگار و پناهجوی ساکن ترکیه مهم‌ترین معضلش را تعلیق و انتظار می‌داند: «اینکه نمی‌دانی تا کی و کجا باید منتظر بمانی ویران‌کننده است».

از نظر او پروسه پناهجویی، یک پروسه کمابیش طولانی و طاقت فرساست: «اگر مهارتی برای انجام این کار نداشته باشی، اگر زبان رایج و مرسوم کشور پناهنده‌پذیر را ندانی، وضعیت به مراتب سخت‌تر و طاقت‌فرساتر می‌شود».

از او در مورد مقصدشان می‌پرسیم: «مقصد این روزهای اغلب

پناهجویان ساکن ترکیه، دو کشور کانادا و آمریکا است. کشورهای اروپایی از میان پناهجویان ایرانی هیچ پرونده‌ای را نمی‌پذیرند. دلیل‌اش این است که تعداد پناهجویانی که به طور مستقیم خودشان را به مرزهای اروپا می‌رسانند آن‌قدر زیاد است که دیگر سازمان ملل افراد دیگری را نمی‌تواند به آن‌جا اعزام کند و آمریکا کشوری است که بیش از هر کجای دیگر مرزهایش را به روی پناهندگان باز می‌کند».

از مریم می‌پرسیم به طور معمول پروسه هر پناهجو برای رسیدن به کشور میزبان چقدر زمان‌بر است: «از لحظه‌ای که سازمان ملل پناهجویی کسی را تایید کند تا وقتی امکان انتقال به کشور آمریکا را پیدا کنی دست کم سه سال و اندی طول می‌کشد. مصاحبه‌های متعدد، بررسی‌های امنیتی و ایالتی و ... این‌ها پروسه‌های زمان‌بری است که گاه در میانه راه پشیمانت می‌کند، مثل ما که تا امروز دو بار خواسته‌ایم انصراف بدهیم، اما هر بار از هراس این‌که جایی نباشد که برویم، پشیمان شده‌ایم».

جمعیت پناهندگان ایرانی در ترکیه در سال گذشته قریب به ۱۵ هزار نفر بوده است. به گزارش رادیو زمانه، جمعیت پناهجوی ایرانی بعد از سوری‌ها و عراقی‌ها، سومین جمعیت خواهان پناهندگی است که به علت نزدیکی مرزهای ایران و ترکیه و برای روشن شدن وضعیت و انتقال‌شان به کشور میزبان، به ترکیه هجوم آورده‌اند.

پناهندگی فقط یک پله از زندان بالاتر است

بهروز جاویدتهرانی، فعال سیاسی که خودش نیز تجربه پناهندگی را از سر گذرانده بر این باور است که «هیچ دلیلی برای پناهندگی بر دلیل دیگر ارجحیت ندارد و حتماً کسی که حاضر شده زندگی و

دوستانش را رها کند، دلیل محکمی برای پناهجویی دارد». به باور این کنش‌گر مدنی، پناهندگی تنها یک پله از زندان بهتر است.

او پروسه قانونی که پناهجویان در ترکیه برای اخذ حق پناهندگی سپری می‌کنند را بسیار طولانی و فرساینده توصیف می‌کند: «در این حالت برزخی که پناهجو معمولاً حق کار کردن هم ندارد یکی از بدترین و زجر آورترین شرایط است، خصوصاً برای کسانی است که با زن و فرزند این دوران را طی می‌کنند. به تبع همین بحران پناهجویی، پروسه انتقال کسانی که پناهندگی‌شان مورد پذیرش سازمان ملل قرار گرفته به کشور ثالث نیز بسیار طولانی شده است».

او رسیدن به کشور ثالث را پایان مشکلات پناهندگان نمی‌داند و بر این نکته تأکید می‌کند که: «سال‌ها طول می‌کشد تا پناهجویان، مهبیای زندگی در کشور جدید باشند و به شرایط طبیعی برسند».

نبود مسکن و سرپناه، عمده‌ترین مشکل پناهجویان ساکن فرانسه

وضعیت پناهجویان ایرانی در اروپا هم شرایط ایده‌آلی نیست. چندی پیش گزارش‌هایی از وضعیت پناهجویان ایرانی و پناهجویان سایر کشورها در بندر کاله، واقع در شمال فرانسه منتشر شد که خبر از وخامت وضعیت مهاجران می‌داد. آنها غالباً در شرایطی کاملاً غیر بهداشتی و غیر انسانی، بدون آب، برق و امکانات بهداشتی مناسب و تغذیه کافی زیست می‌کنند و روزهای‌شان را به امید رسیدن به شرایط بهتر می‌شمارند.

سارا داموندان روزنامه‌نگاری است که شرایط پناهجویی را پشت سر گذاشته. او می‌گوید شرایط هر پناهجو با پناهجوی دیگر متفاوت است.

«مشکلات پناهجویان ایرانی متفاوت است. مثلاً فاکتور جنسیت در شرایط یک پناهجو نقش موثری دارد. در فرانسه به زن‌ها و بچه‌ها اهمیت بیشتری می‌دهند و پناهندگانی که زن و بچه دارند شرایطشان به مراتب بهتر از مردانی است که مجردند».

از این روزنامه‌نگار می‌پرسیم مهم‌ترین مشکل پناهجویان ساکن فرانسه چیست؟ پاسخ می‌دهد «مسکن و سرپناه».

«بزرگ‌ترین مشکل فرانسه بنا به تجربه شخصی من، نبود مسکن است. یک مهاجر در نگاه نخست وقتی وارد فرانسه می‌شود، با مشکل مسکن مواجه است. در انگلیس یا آلمان کمپ‌های مخصوص پناهندگان وجود دارد و در وهله نخست فرد پناهنده را به کمپ هدایت می‌کنند؛ اما در فرانسه چنین چیزی وجود ندارد. فقط شب ممکن است به تو جای خواب بدهند. فردا صبح می‌گویند باید محل سکونت شبانه را ترک کنی. باید تمام ساعت‌های روز را علاف خیابان‌ها باشی تا مثلاً شش یا هفت شب تو را از نقطه‌ای که تعیین کرده‌اند، بردارند. به نظرم این مهم‌ترین معضل پناهجویان ساکن فرانسه است».

با اینکه در بیانیه حقوق بشر، پناهجویی یک حق است؛ اما غالب کشورهای امن جهان این حق را نقض می‌کنند. پناهجویان، کماکان با بحران‌های شدید مالی، ناامنی، کار سیاه با حداقل دستمزد، برخوردهای دوگانه و تبعیض‌آمیز، خشونت و تحقیر مواجه‌اند، دنیا ترجیح می‌دهد چشمانش را به روی دشواری‌های زندگی یک آواره بی‌وطن ببندد.

حقایق و نکاتی در مورد مهاجرت؛

بزرگ‌ترین بحران بشری جهان بعد از جنگ جهانی دوم



جهان، بیشترین آمار مهاجرت را به خود اختصاص داده‌اند. هشت جنگ در آفریقا (ساحل عاج، آفریقای میانه، لیبی، مالی، نیجریه، کنگو، سودان جنوبی و برونیدی)، سه جنگ در خاورمیانه (سوریه، عراق و یمن)، یک جنگ در اروپا (اوکراین)، سه جنگ در آسیا (قزاقستان، برمه و افغانستان) و دو جنگ داخلی در کلمبیا و نپال عوامل اصلی آوارگی انسان‌ها بوده‌اند.

– کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان که آمار مربوط به پناهجویان و آوارگان در جهان را از سال ۱۹۵۱ تهیه و ثبت کرده می‌گوید که از زمان خاتمه جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ جهان هیچ‌گاه با این حجم از آوارگی و پناهجویی روبه‌رو نبوده است.

– سوریه بیشترین آمار ثبت شده آوارگان در سطح جهان را به خود اختصاص داده است. ظرف پنج سال جنگ داخلی در این کشور ۱۱,۷ میلیون نفر از جمعیت ۲۳ میلیون نفری این کشور مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند.

– از نزدیک به شش میلیون کودک پناهجو یا آواره در جهان، ۱,۷۵ میلیون نفر امکان تحصیل در مدارس ابتدایی را نداشته و ۱,۹۵ میلیون نفر قادر به تحصیل در مراحل بالاتر از ابتدایی نیستند.

– ۳,۷ میلیون کودک آواره یا پناهجو از تحصیل محروم هستند. نیمی از آنها ساکن هفت کشور هستند: لبنان، ترکیه، پاکستان، چاد، کنگو، اتیوپی و کنیا.

– ده کشور که روی هم ۲,۵ درصد از تولید جهانی را به خود اختصاص داده‌اند، بار اسکان نیمی از پناهجویان و آوارگان جهان را بر دوش می‌کشند. سازمان عفو بین‌الملل این شکاف میان کشورهای غنی و فقیر در پذیرش آوارگان را ناشی از «مسئولیت ناپذیری» و «خودخواهی» کشورهای صنعتی و پول‌دار دانست.

– ده کشور که بیشترین پناهجویان و آوارگان جهان را در خود اسکان داده‌اند، به ترتیب عبارتند از: اردن (۲,۷ میلیون)، ترکیه (۲,۵ میلیون)، پاکستان (۱,۶ میلیون)، لبنان (۱,۵ میلیون)، ایران (۹۵۰ هزار)، اتیوپی (۷۳۰ هزار)، کنیا (۵۵۰ هزار)، اوگاندا (۴۷۷ هزار) و کنگو (۳۸۰ هزار).

– بیش از ۵۵ درصد از مهاجران جهان متعلق به پنج کشور خاورمیانه هستند. ساکنان افغانستان، عراق، سومالی، سودان و سوریه بیشترین جمعیت مهاجر جهان را دارا هستند.

– تعداد مهاجران در سال ۲۰۱۵ به عدد ۲۵۰ میلیون نفر رسید.

– لبنان جزو کشورهایی با بیشترین پذیرش مهاجران در سطح جهان است. تعداد مهاجران – به خصوص سوری – در لبنان در سال جاری میلادی به ۱,۵ میلیون نفر یعنی ۲۶ درصد جمعیت این کشور رسید. از هر چهار نفر جمعیت ساکن لبنان، یک نفر مهاجر است.

– افراد ۱۸ تا ۴۰ ساله بیشترین تعداد مهاجران جهان را با ۷۷ درصد تشکیل می‌دهند. ۲۰ درصد از مهاجرین، کودک هستند و تنها ۳ درصد را افراد مسن به خود اختصاص داده‌اند.

– در سال ۲۰۱۵ آمار مهاجران به ۳,۳ درصد جمعیت کره زمین رسید. این رقم در سال ۲۰۰۰ کمی بیش از ۲ درصد بود.

– اکثریت قابل توجه مهاجرین در قاره‌ای که کشور اصلی آنها در آن قرار دارد، باقی می‌مانند. آمار سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که ۸۷ درصد مهاجرین ساکن آفریقا، ۸۲ درصد مهاجرین آسیایی و ۶۶ درصد مهاجرین آمریکای جنوبی از کشور خود به کشور دیگری در همان قاره مهاجرت کرده‌اند. در مقابل، ۹۸ درصد مهاجرین ساکن آمریکای شمالی و ۸۷ درصد مهاجرین در استرالیا از قاره‌های دیگری به این مناطق مهاجرت کرده‌اند.

– ۲۰ کشور، مقصد اصلی دو سوم مهاجرین جهان است.

– از هر ۱۱۳ نفر جمعیت جهان یک نفر مجبور به ترک خانه خود و مهاجرت به جایی دیگر شده است

– به شکل متوسط، روزی ۴۶۰۰ نفر از خانه‌های خود به سمت سرنوشتی نامعلوم می‌گریزند

– جنگ اصلی‌ترین عامل مهاجرت انسان‌ها ارزیابی شده است. ظرف پنج سال گذشته، چهارده جنگ در

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: علی مهدی
تماس با مجله: mail@iranhr.net

